

و انتظام در آن ولایت حاصل است و رعایا آسوده گردند  
 بدعا کونی ذات قدس تا یون شاهنشاهی اشتغال دارند  
 و مقرب انخاقان و الی در انجام خدمات دیوانی و حصول  
 مرچبات آسودگی رعیت کمال مراقبت و اهتمام را بعمل می  
 آورند

از فراری که در روزنامه جو از نو نوشته اند در ایام محرم  
 خود بصبح رفته بی پای درخت مازوج رسیده بودند زن  
 اصرار بسیار بشوهر خود کرده بود که در پای درخت قدرتی  
 مکتب نماید تا او بالای درخت رفته مازوج بچیند شوهرش  
 شده و زن بالای درخت رفته بود تا گاه ماری آن ضعیفه  
 در بالای درخت کزیده بود بطوریکه فوراً اجرایش متلا  
 شده از درخت فرو ریخته بود شوهرش از شدت خوف  
 و وایمه رو بفرار گذاشته بجز از و آید مردم را خبر کرد  
 جمعی با او بی پای آن درخت رفته هر قدر تفحص کرده بودند  
 ماری نیافته بودند

و کبر نوشته اند که قریه قلیجان که از مضافات جو از نو است  
 و بیشتر از ده دوازده خانوار سکنه ندارد در چهارم محرم  
 ناگاه آتش بجای آنجا افتاده بطوری دفعه تمام خانها  
 شعل شده بود که توانسته بودند خاموش نمایند تمام  
 اهالی آن قریه از بزرگ و کوچک از خانهای خود فرار کرده  
 بصبح اگر بختند شب راهم در صحرا بسر بردند صبح که بجاها  
 خود آمدند در هیچ جا از آتش اثری نیافتند ولی تمام خانها  
 و اثاث البیت و چهار پایان خود را سوخته و کشته  
 دیدند

دیگر نوشته اند که در این اوقات یک نفر از فراریان مقرب  
 انخاقان

والی که بجهت اخذ مالیات دیوانی یکی از دعات حول و حوش  
 قصبه بسندج رفته بود در اینجا بیک شخصی که موسوم بقلبه رسید  
 و سابقا از فراری که مذکور کردید از قطاع الطریقهای مشهور بود  
 آن فراری را زخم زده و جواب گفته بود مقرب انخاقان  
 بعد از استحضار یک نفر لوگر خود را با چند نفر مر بازمی  
 رساند و پرسش کرد که آنها را گرفته بیاورند و مر نام با سپ  
 خود فرار کرده در قریه دیگر بناه بسیر علی بیک کله بردند و در خان  
 او نشسته تا مورین رفته بودند آنها را بگیرند صاحب خانه گفت  
 بر جویسته طرفین نزاع وزد و خورد کرده و برین دعوا بسیر علی  
 مقتول گردیده و مر قلع را با سپرش گرفته بسندج آورده  
 و الان برود و نفر محسوس هستند

**کرمان**

از فراری که در روزنامه کرمان نوشته اند امور آن ولایت چنین  
 مراقبت و رعیت واری امیر الامراء العظام سپه دار در عین  
 و عموم رعایا و برابانهاست اطمینان و آسودگی مشغول کارند  
 و رعیتی خود دعا کونی ذات قدس تا یون شاهنشاهی  
 دامور طرق و شوارع و دانه جات مضبوطه در همه جا قرار  
 مستحفظ مشغول حفظ و حرارت میباشند و زواری و قوافل با کمال  
 خاطر حسبی عبور و مرور میکنند چنانچه در این ادکات زواری  
 خراسان و قافله خراسان و فارس و یزد وارد شده و  
 سکران و رضامندی از انبیت راهها داشته اند و قافله  
 آمده خود را بمصرف رسانده متاع کرمان خریداری نمودند  
 روانه محال خود گردیدند

و همچنین امور شهر و محلات در کمال انتظام است و داروغه و کدخدایان  
 متوجه نظم شهرند و از احدی خلاف حساب هیچ پناشی و صایر نشود

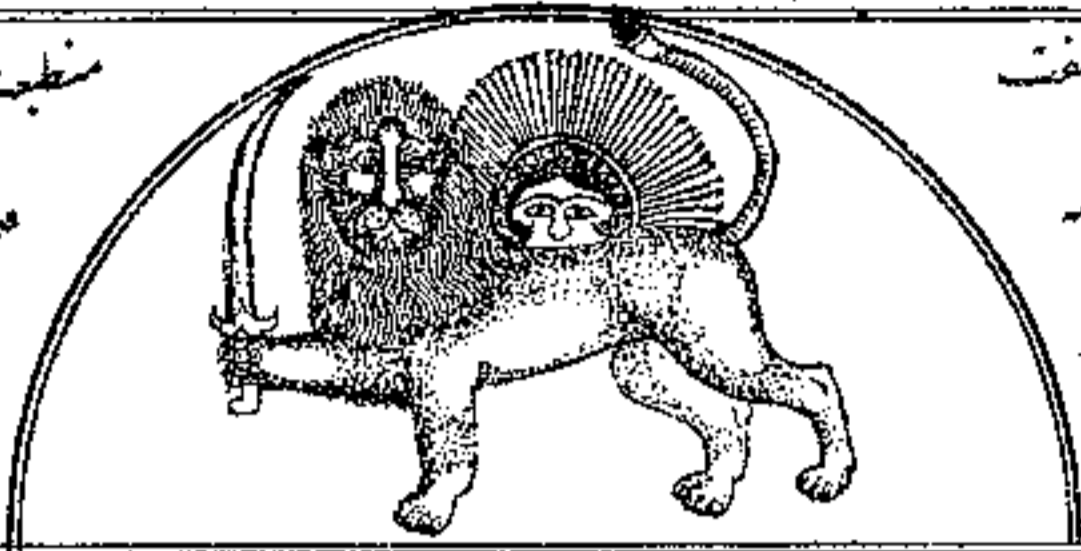
۱۹۹۶

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یازدهم ماه ربیع الثانی مطابق سال لوی سیل ۱۲۷۳

نمره مسجد و هفت

قیمت روزنامه

هر نسخه دوازده شلر



منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر خط یک شلر

اخبار دنیای ملوک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

نتیجه الاموال العظام سردار سلطان علی خان مظفرالدوله  
که از قدما ریزم غنیمت دربار کرده و ن  
کرده بود با اتفاق جناب حاجی ملا عبداللہ که از فحول علمای  
افغانستان است وارو شده و ورود آنها در روز ت  
سابق نوشته شده بود در این روز ما شرف اندو  
حضور بجا یونان علی حضرت قوی شوکت شاهنشاهی خدا  
ملکه و سلطان شده و مورد احترام ملوکانه گردیدند و  
جناب جلالت آب شرف اجداد رفیع ختم صدر عظیم  
رسیده از جانب جناب معینم الیه کمال تقصد و هدایت  
در باره ایشان بعین آمد  
افواج ملکہ اصفهان که ابوالحسین مقترب انخافان  
سر تپ است مقترب انخافان مشار الیه حسب الامر  
بجا یونان با افواج خود ما مور فارس گردید و موازی  
کلید بلوس تن مبارک از جانب نسبی ابجواب اید  
بجا یونان شاهنشاهی برای مزید مفاخرت و امیداری دم

دو نفر سید که پدر و پسر بوده اند از دارالخلافه طهران  
پاره اقمه بزاری خریدند روانه خراسان شده بودند  
دو نفر از اشرا از مسراہ آنها شده در بین فرصت کرد  
پدر و پسر هر دو را کشته اموال آنها را برداشته و  
بودند در ترشیر عالیجاہ مقترب انحضرت العلیہ  
قاجار که حاکم آنجا است آنها را گرفته مجبوس کرده  
اموال مقتولین را با التمام از آنها گرفته کیفیت را با  
دولت علیہ معروض داشته بود حکم جہا منقطع  
اقدس بجا یونان شاهنشاهی صادر شد که قاتلین را  
برده در مشهد مقدس موافق حکم الهی که و لکم فی انفسکم  
حیات بسیات برسانند و اموال مقتولین را فور  
ارض اقدس مقترب انخافان عضد الملک متولی  
باشی سرکار قبض اثار بسیارند تا در ثانی آنها که سید  
شد مقترب انخافان مشار الیه اموال مزبور را ب  
مقتولین رد نماید

۱۹۹۷

بعد از رفتن عالیجاه موسیو سبوتس قونسول دولت انگلیس  
 دوره و جناب موسیو سبوتس قونسول دولت انگلیس  
 بدر باریند دولت علیه و اطلاع استحضار اینکه رعایای  
 دولت انگلیس در عیال سفارت دولت تیره زوره سپرده  
 دولت فرانسه است و لیاقت دولت اسمی رعایای دو  
 انگلیس را از جناب رز در دولت فرانسه مطالبه نمودند که با  
 در رسم بشناسند و سفارش بکنند تا اینکه مراقبت کامله  
 و امانت و اسودگی آنها را و ام که خلاف قاعده از آنها ناشی  
 نشود بعل اورند عجب اینکه دو سه نفر هندوستانی و غیره که  
 رعیت مخصوص دولت انگلیس هستند و در دار الخلافه طهران  
 میباشند در میان سیاهه نوشته شده بود اما چند نفر  
 اشخاصیکه از اهل ایران هستند و بعضی هم نوکر موبدا  
 ایند دولت بیاید برخی هم میزند داشته و ندارند و خلاف  
 شان و احترام خود میداند این سیاهه را با ایشان داده  
 که عالیجاه قونسول مشارالیه اسمی آنها را ممانه سیاهه  
 باشد در جزو سیاهه نوشته شده بود از جمله نواب مستطاب  
 شاهزاده فرهاد میرزا است که اسم او را هم قونسول مشارالیه  
 در جمع تبعه انگلیس داخل سیاهه کرده بود بعضی دیگر نواب  
 از اینر است مطلع شدند بدون اینکه با ولایای دولت علیه  
 خبر برسد که عذی جناب رز در فرانسه بنی برده میاید و  
 خودشان بحاجت دولت انگلیس در سفارت فرانسه نوشته  
 با آدم خودشان فرستادند و جناب رز در فرسوم جواب  
 کاغذ ایشان را مشعر بر خارج کردن اسم نواب مغزی الیه  
 از سیاهه رعایای انگلیس و حجات سفارت فرانسه که بحاجت  
 سفارت انگلیس نوشته فرستادند نواب معظّم الیه با ولایای

دولت علیه و واقعه را بنحویه نورانها نموده کاغذ جناب رز در  
 فران را برابر از خویش نمودند که در دفترخانه وزارت امور خارج  
 ضبط و ثبت باشد که من بعد بهیچ وجه من الوجوه ازین مقوله ذکر  
 نشود لکن امضا این سنوال و جواب نواب معظّم الیه و جناب  
 در لغظا بلفظ درین روزنامه نگاشته میشود و آن این است  
 سواد کاغذ نواب فرهاد میرزا جناب رز در فرهاد  
 جناب رز در فرهاد مجدّد مذکور شد که آن جناب درین  
 اشخاصی که اسمی آنها را با ولایای دولت فرانسه معلوم داشته  
 که در حیات تبعه انگلیس هستند اسم اینجناب را هم نوشته  
 و اینجناب حجت فراموشد که من در حیات هیچ دولتی نیستند  
 و چاکرا علیحضرت شاهنشاه همجاه روحنا فداه مستم و مولی  
 ولی نعمتی سبزه وجود مسعود و با یون روحی فداه ندارم لکن از  
 سید هم که آنجناب ازین فقره اطلاع بهم رسانیده و اگر صلاح  
 بداند مراتب را بنحیاب جلالت تاج وزیر محترم دولت انگلیس  
 مری دام مجده اعلام دارند تحیر برانی بوم نسبت با شهر بیچ  
 سواد جناب رز در فرهاد میرزا  
 خدمت سرکار شوکت مدار نواب مستطاب و الاعراض میشود  
 از فرار یکم مرقوم فرموده بودند که اسم شریف نواب و الامت  
 سیاهه که از جناب عالیجاه بلند جایگاه دوست مکرم مهربان  
 سبوتس قونسول دولت تیره انگلیس در دست مخلص بود  
 اشتباه با اسمی اشخاصیکه تبعه دولت تیره انگلیس نوشته  
 مرقوم کردید است و نواب و الاجابیت هیچ دولت و پاد  
 مایل نیستند و قبول نمیفرمایند که چاکری و بندگی سرکار علیحضرت  
 اقدس شهبازی را و نیز فرمایش رفته بود که مراتب اینجناب  
 جلالت نصائب مشفق مکرم مهربان موسیو موزه وزیر مختار دولت

۱۹۹۸

۳

بهتیم انگلیس اظهار نماید حسب الفرائض سرکار نواب و الا  
 و رزیده حاکم را از نواب و الا برداشته اسم ایشان را  
 از خرید اشخاص موقوفه نمود چون لازم بود عرض  
 فی شب دوشنبه ۱۲۷۳ شهر ربیع الثانی  
 عالیجاه میرزا ماشم خان لوزی که در شمار سخاگان این  
 و جناب ستموره وزیر مختار دولت مزبور من غیر حق در  
 سنوال و جوابها با اولیای دولت علیه کرد و سختیها نمود  
 اینکه با مال ترک مراد و با اولیای این دولت نموده  
 انگلیس از خاک ایران سخاک دولت عثمانی نقل نمود بعد از  
 مراد و رفتن از ایران اورا کماکان در سفارتخانه  
 دست عالیجاه ستمونس قنصل دولت مزبور سپرد  
 کمال مراقبت داشت که مبادا خان ش رالیه رو به دولت خود  
 بیاورد و وقتی که قنصل ش رالیه هم اراده غریت بیرون  
 رفتن از خاک ایران را نمود چون از قرار دستور العمل دولت  
 متوجه خودش رعایای مخصوصه دولت خودش را میباید  
 حمایت سفارت دولت فرانسه بگذارد و سفارت فرانسه  
 از دربار این دولت علیه تقیت کرده بود میرزا ماشم خان  
 بی دلیل حسابی تبعه دولت خود فرض نموده موقتاً آمدن  
 ش راد فرادولت فرانسه ب سفارت دولت عثمانی فرستاد  
 و غافل از اینکه شخص لوزی که خانه زاده نوکر دولت علیه ایران  
 بوده است محض اینکه چند وقتی بخیالات دور و دراز باطن خود  
 حرکت نماید و ب سفارتخانه انگلیس برود و اولیای این دولت  
 دوستی دولتم ایران و انگلیس و احترام سفارت انگلیس متعرض  
 او نشوند تبعه انگلیس محسوب نخواهد شد و فوق قوه و قدرت و طاقت

نظم و انضام دولت ایران خواهد بود که ابداً نتوانند او را بشال  
 اورا تبعیت دولت خارج بشناسند پس از آنکه جناب عالی  
 ش راد فرادولت بهتیم فرانسه وار و دربار دولت علیه  
 جناب ش راد فرادولت علیه عثمانی میرزا ماشم خان را ب سفارت  
 دولت فرانسه تسلیم کرد و میرزا ماشم خان دید که دیگر محکمی  
 ندارد که اورا اغوا نماید پیش بر آمده طغف سکوک و رقبا  
 خود کردید بر کدشته افسوس جز و اصلاح امور خود را  
 منحصر باین دید که دست خراعت بیا من عنایت و رحمت  
 اولیای دولت علیه بزند بموجب نوشته و اظهارات شفاه  
 مکرره جناب ش راد فرادولت اشعار نمود که من کمال الطمان  
 جان و مال و احترام خود را بر اسم اولیای دولت خود میسپارم  
 احتیاج ب حمایت دولت انگلیس و حمایت سفارت فرانسه  
 که الان بجای حمایت انگلیس است مدارم و بسرنو کوری و بر  
 خودم میروم و در پناه ولی لغت خود خواهم بود و رضی  
 نیستم که حالا و تا لا سفارت انگلیس و سفارت فرانسه بکنند  
 حرف در داده من بزند جناب ش راد فرادولت فرانسه مراتب  
 اعتقاد و اظهارات میرزا ماشم خان را در ضمن مراسم  
 رسمیه با اولیای این دولت اظهار داشته خارج کردن  
 از تحت حمایت سفارت فرانسه که بجای حمایت سفارت  
 انگلیس بود اعلام نمود و میرزا ماشم خان خودش بی تو  
 احدی از خارج با اتفاق عالیجاه مقرب بحضرة العلیه میرزا  
 شرفیاب خدمت اولیای دولت علیه گردیده عفو و عطا  
 عفو کازش حال او گردیده ببدل رحمت و عنایت عطا  
 خلف سرفراز گردیده در کمال امیدواری و الطمان خاطر  
 بسرنو کوری خودش برقرار گردید و اولیای دولت علیه ایران

۱۹۹۹

تفصیل ذیل عنایت و محبت و بصیحت عالیجا حسینخان

مأمورین برات

صاحب منصبان نظام و غیره

نواب مستطاب حسام لطفه

مفتی اوقاف قلم الدوله

مفتی اوقاف سالی ایلی

مفتی اوقاف الدوله حرمه ریخته

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

تفصیل ذیل عنایت و محبت و بصیحت عالیجا حسینخان

مأمورین برات

صاحب منصبان نظام و غیره

نواب مستطاب حسام لطفه

مفتی اوقاف قلم الدوله

مفتی اوقاف سالی ایلی

مفتی اوقاف الدوله حرمه ریخته

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

مفتی اوقاف حرمه ایلی

و انگلیس تفع شد و موضوع کیفیت ترک مراد و سفارت دولت

انگلیس شد چنانکه اولیای دولت علیه ایران کمال میل را

بعود مراد و معاودت سفارت انگلیس در بار این دولت علیه

دارند آباد دولت انگلیس برای مایل مقصود دولت ایران خوا

و یا اینکه فقر میرزا ششم خان سباب اجرای مقصود دیگر بود

دولت ایران از آن استحضار ندارد این مسند که مرفوع

در روزنامه سابق ظنی کردید که عالیجاه مقرب حضرت العظمه

و عالیجاه امیر حسین خان برادر مقرب الخاقان شجاع الدوله

ساختن ایلیخانی و عالیجاه مجید خان و اما مقرب الخاقان

عیسی خان وزیر برات بعد از فتح قلعه منوره شرفیاب در

جهان ارجحیون اعلی شد تقصیل و کسب کی فتح بر سرته و صد

عساکر حضرت آثر رکاب بود معروض رای اولیای دولت

در روز دوشنبه شانزدهم این ماه از رکاب نظر انتساب حضرت

الضرفیه یافته معاودت نمودند و بدین موجب در حق شار الیم

عالیجاه حسینخان

عالیجاه امیر حسینخان

عالیجاه مجید خان

انعام محبت کردید در حق سرگردگان اردوی برات و اما

برات از سادات و علما و اعیان نیز از جانب سنی اجوا

اقدس بکارین شاهنشاهی خلعت و انعام و غیره بود

۲۰۰۰



### سایر ولایات

ادریس بایجان از قراریکه در روزنامه اذربایجان نوشته  
 کمال اینست و انتظام در ولایت حاصل و عموم ملی در عیال  
 آسوده خاطر بدعا کونی دانت اقدس تایون شاهنشاهی  
 اشتغال دارند

دیگر نوشته اند که در روز نهم ماه ربیع الاول که روز  
 مولود مسعود جناب قائم الامین صلی الله علیه و آله بود نواب  
 شاهزاده والایان حضرت الدوله نایب الدیال ملک اذربایجان  
 و معتد دربار سپهر ام مقرب الخاقان قائم مقام لقا محمول  
 در اسم این عید سجد را بتقدیم ساینده سلام عام انعقاد  
 شیک توب لعل آمد و هم در آن روز مبارک فرمان جهان  
 تایون که مشتمل بر فتح قلعه هرات و استیصال باغیان دولت  
 جاوید نیاید و منظر شدن عساکر منصور بود شرف وصول  
 ارزانی داشت الهی اذربایجان که از دل و جان فدوی  
 دولت ابد استند و پیوسته از یاد شوکت اعلیحضرت  
 شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطان را از خدای عالمیان خوانند  
 ازین خبر بهجت اثر که دلیل بر کمال اقبال بخت پادشاه  
 سجد یک فریدی بران مشهورست قرن فرخ و سرور و خوش  
 موهور گردیده دعای استقامت شوکت بنزوال است  
 دولت ابد اتصال را اورداد غده و اتصال و بدگر احوال  
 اذیب غنا بجزین رطب اللسان گردیدند نواب مستطاب نصرالله  
 و مقرب الخاقان قائم مقام جارچی انداخته جار کشیدند  
 شهر تبریز بازار و دکانین خود را این سببه شب چراغان  
 گنشد و روز نهم در میدان سر بازار خانه متصل بعمارت  
 عام شد و جوه اعیان و اشراف و امر و خوانین و میران پنجه

بهر که در کان عظام و صاحب منصبان نظام و تجار و کسبه و  
 رعیت کتلا در میدان نر بجمع شده خطیب فرمان قضا جری  
 گوشت و خاص و عام کرده جمهور را بله اظهار شکر گذاری نمودند  
 بعد از آن شیک توب شده پنجاه و پنج تیر شادمانه انداختند  
 بعد از انقضای شیک و سلام اعیان و اشراف و سرگردان

در اطاقهای که قبل از وقت برای هر طبقه مخصوصا علیحدگی  
 شده بود نشستند از جانب نواب هزاره نصر الدوله و مقرب  
 قائم مقام سیرینی آلات باطاقهای مزبور فرستاده شدند  
 اسباب حسین و طرب نیز آماده بود روز دوم و سیم نیز همین  
 منوال بر اسم جشن و سرور مرتب بود و هر روز بدستور پنجاه  
 تیر توب شادمانه شیک شده و شبها کتل بازار و کاروانسرا  
 این سبزی و چران بوده هر شب را در میدان سر بازار  
 تشریفاتی خوب فراهم آورده داد عیش و شادمانی را دادند نواب  
 شاهزاده نصر الدوله و مقرب الخاقان قائم مقام مبارک آمده  
 الهی ملک را بر هم اعلیحضرت اقدس تایون شاهنشاهی دعوت  
 امیداری دادند جناب سلاله ات حاجی میرزا محسن قاضی نیز  
 شب در خانه خود چرخ افغانی کرده هر شب جمعی را بضياف دعوت  
 نموده شب آخر مقرب الخاقان قائم مقام و جمعی از علماء و اعیان  
 دعوت کرد

دیگر نوشته اند که فرج نهم خوی ابو بجمعی عالیجاه ابراهیم قای  
 سرتیپ که بر کاب تایون احضار شده بودند در دوم  
 ربیع الثانی وارد دار السلطنه تبریز شدند و موجب  
 نامی را در اطاق نظام مقرب الخاقان قائم مقام باستحضار  
 عالیجاهان لشکر نوبان عظام بانها عاید کرده در پنجم ماه  
 روانه دربار جانداری تایون شده اند

۲۰۰۲



### عراق

از فرار یک در روزنامه عراق نوشته اند از اتهامات مقرب  
میر حسن خان کمالی امت و انظام در انولایت حاصل  
در عایا و برابا سوده خاطر بد عای ذات اقدس عالیون  
مشول میباشند

دیگر نوشته اند که مردی فتح هرات که با نولایت سید محمود  
انولایت را چنان فرح و ایناط روی داد که در هیچک  
خلق را اینگونه شادی و خرمی روی نداده بود بوصول این  
مقرب انخان میرزا حسن خان لعموم محالات عراق آدم  
اعلام کرد که در همه قراء و نزار حتی شلاقانی که پنج شش  
داشت بطریق عید نوروز چراغانی نموده بلوازم جشن و سرور  
در بلده سلطان آباد محمود دم بازار دادگان را این بنی  
کرده حبس علی اعیان بلده و تجار و کسبه و عتیه یکی در  
بزرگ دولتی که ساخته شد و جامع بلده مسطور محسوب  
و مقرب انخان میرزا حسن خان مدبر منور اندلید از ادای صلوة  
طهر و عصر پنجشنبه تعجب حاجی سید قاسم الله تعالی او ای خطیب  
اقدس عالیون و اختتام بد عای بقای دولت و شوکت  
شده بعد از آن فرمان مرلغان عالیون که با بلایع این  
با فتح مقرب انخان شارالیه و اهل عراق شرف صدیافته بود  
در سر فرست و مضمون آن را گوشه خاص عام نموده کل  
زبان بشکرانده و شاکشود لید از صرف شیرینی و شربت مبارک  
و نهایت کعبه نیازل خود در حجت و مشغول عیش و شادمانی  
و شب همه بازار و خانها و کوچا را چراغانی بسیار باشکوه  
در دیوانخانه بزرگ دولتی که سباب تش بازی جو  
آورده بلوازم سرور و شادمانی برداشند

### مازندران

از فرار یک در روزنامه مازندران نوشته اند نواب  
شاهزاده لطف الله میرزا حکمران انولایت در نظم امور ولایت  
رفاه و آسایش رعیت و انجام خدمات دیوانی اهتمام کما  
میشود

دیگر نوشته اند که نواب شاهزاده لطف الله میرزا با اتفاق  
میرزا سید الله در بر در سیم ماه ربیع الاول بجهت رسیدگی  
رعایا و سرکشی کارخانه شکر نری دیوانی غرضت بلده با  
نمودند بعد از ورود با بنجا فرمان مرلغان مبارک که در باب  
فتح هرات با فتح نواب شاهزاده و اهل مازندران شرف  
یافته بود در بار فرودش بر تو و وصول انگنه صغیر و کبیر  
شریفان آغاز مسرت و شادمانی نموده حسب احکام نواب  
کل اهل آنجا در مسجد جامع بار فرودش جمع آمده و نواب  
خود با بنجا حاضر شدند و خطیب فرمان مرلغان مبارک  
در بالای منبر خوانده مضمون آن را گوشه خاص عام  
نموده همگی زبان بشکرانده و شاکشود انجا فرج  
نمودند پس از انقضای مجلس منور نواب شاهزاده حکم  
نموده همه بازار دادگان را این سندی و چراغانی  
کل اهل شهر بلوازم عیش و سرور پرداخته با یکدیگر  
مبارک در اهل آوردند و در حضور نواب شاهزاده هم  
سباب تش بازی خوب فراهم آورده عیش و سرور  
و جشن و شادمانی بسر بردند و همچنین در سایر بلده  
بلوکات مازندران اساس چراغانی و این سندی فراهم  
میرزا سید حکم بار فرودش هم در فرام آوردن اب این  
بود ملاحظه شال ترمد از جانب نواب شاهزاده با خلق  
مخبر

۲۰۰۳



### خراسان

### کاشان

از هزار یک در روزنامه خراسان نوشته اند که  
 فتح بک که با رض اقدس رسیده جمیع امانی و اعیان  
 ارض اقدس که بسبب هجارت با بک با بک  
 بیش از امانی سایر بلاد مالک محروسه مقرر شده  
 از اسرار اتولایت اذیت و آزار دیده بودند و سالها  
 که تخمین خانه زنبور و کمن بود میان مغرور از آرزوی  
 از وصول این مرده و پذیر بر نا و پیر جان تازه و حیات  
 بی اندازه یافته کلا نشاط بر هوا و صدای نشاط بر  
 صغیر و کبیر و صبح و شریف این روز را عید مبارک  
 و عطیه ایزد تعالی و تبارک شکرده با یکدیگر رسم مبارک  
 و دعای دوام دولت و از دیاد شوکت جاوید بنیاد را  
 پیشنها کرده بلوازم جشن شادمانی و سرور و کامرانی  
 اقدام نمودند و همگی از صمیم قلب دمان و بدعای دولت  
 علیه رطب اللسان بودند مگر ترخانان کردی حسنی و بعضی  
 ازین قبیل اشخاص که بظاهر اظهار حسندی میکردند و  
 در باطن از اینجی کوفه خاطر بودند با بچه جناب مقرب  
 سیرام حسین عضد الملک متولی باشی بوصول این خبر بجهت  
 حکم کرده تقاره خانیه مرکا رفیق آثار با شاد و یانه فرود  
 او این فتح از چند را گوشت خاوص عام نمودند و کل بازار  
 و کاروانسرا و صحن های سرکار رفیق آثار را منتهی به روز  
 این بندی و چراغان نموده و او عیش دادند و شبها  
 خانها اسباب شس بازی بهو نمودند و دقیقه از لوازم  
 و رو کذاشت کردند و عالیجا سکران خان هم شبها را در گردش  
 که از کسی خلاف قاعده سر نزنند

از هزار یک در روزنامه کاشان نوشته اند که  
 انتظام و خادانی و ارزانی در اتولایت حاصلات و عالیجا  
 حاکم کاشان در نظم امور ولایت و رفاه و آسودگی رعیت و انجام  
 خدمات دیوانی نهایت بر قیاس را بجز می آورد و کسب و رفاه  
 آسوده خاطر بکار و کسب و عیسی خود و عاکونی ذات اقدس  
 هایدون شاهای استغالی دارند و امور شهر و محلات منظم است  
 و از اصدای خلاص حساب شمرات بهیچ وجه ناشی و صا و شکر  
 و اگر بندرت سرفقی اتفاق بیفتد با تمام عالیجا مشا رالیه  
 اموال مسروقه پیدا شده بصاحبش تسلیم و در ذمه توبه میشود  
 دیگر نوشته اند که فرمان جهان مطاع هایدون که در باب فتح  
 سیرافزاری عالیجا محمد حسن خان شرف صدور یافته بود  
 با بجا بر تو وصول افکنده و مضمون فرمان هایدون را در مساجد  
 و محل اجتماع مردم گوشه و عموم امانی و اعیان آنجا نموده  
 این بندی و چراغان کرده صغیر و کبیر و بر نا و پیر آغاز  
 و شادمانی نموده سه روز و سه شب کل بازار را در گمان  
 و کاروانسرا چراغان بود و شبها اغلب دیوارها را نیز  
 چراغان کرده مردم درین شبها روز مشغول عیش و  
 و عاکونی دولت جاوید مدت علیه بودند و از قرار یک  
 بودند و هیچگونه جشن و چراغانی و این بندی که بشادمانی  
 این فتح و پذیرد کاشان شد در هیچ وقت نشده بود  
 از وصول این خبر بجهت اثر و این مرده روح پرور خاص  
 قرین منسرح و ابساط و از صمیم قلب و عاکوی دولت جاوید  
 بنیاد کردیدند

۲۰۰۴

روزنامه قباچ آغا قباچ بیخ پوم خسته بیستم و ششم سهریج فی مطابق سال لوی میل ۱۲۷۳

نمبر سیصد و شصت

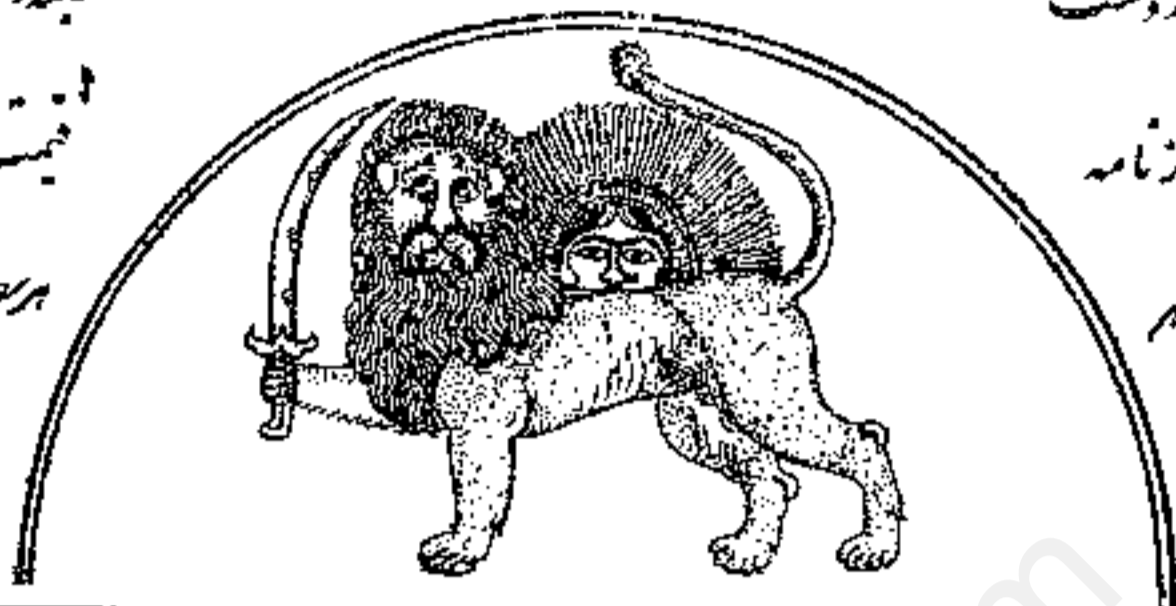
قیمت روزنامه

هر نسخه و سه

منطبعة دار الخلاقه طهران

قیمت اعلانات

هر سطر پنج مر



اجبار واحد ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلاقه طهران

چون از قرار استهوار نامه دولتی بند که حسب حکم نواب  
هندوستان انطباع یافته بود صریح و آشکار نسبت به دولت  
عمدگی بدولت علی ایران داده اند درین فتره بروی که  
فیمین دولتیس حاصل شده است خواسته اند دولت  
محل ایراد و سبب نماید لکن لازم شد که پرده از روی حقیقت  
این کار برداشته شود تا بجهت روی زمین معلوم گردد این  
استهوار نامه و ادن سی فروز کشتیهای جنگی دولت  
خلیج فارس بخری و انصاف است کشتیهای جنگی  
فارس آمده در برابر پوشه پادشاهی زبان اعلام جنگ  
دوران دولت علی ایران کردند که کاغذی کپتان جنس  
دولت مجلس مقیم پوشه نوشته بود باین عبارت که بر کافه  
حکام و کارپردازان ولایات و بلدان واقع در حدود  
خلیج فارس معلوم و واضح باد که سردار جنرال فارسی  
که صاحب نشان افرات است و حکم کل سکاگر عربی و قشون

بیان که از جانب سرکار کیت بریتن باین سواصل مأمور  
درستاده شده بعد اتمام او مقوض گردیده است  
لازم نمیداند که علت آمدن خود را اظهار نماید چرا که  
کاغذهای استهوار نامه که موقوف است و از جانب نواب  
فلک جناب فرمانفرمای ممالک هندوستان صادر گشته و  
وین است و از همان استهوار نامه ها نسخهای متعدد در  
نوشجات موقوف نموده برای سرحد داران دولت  
درستاده بودند و یکی از عبارات استهوار نامه این است  
حسب حکم سرکار کله معطر نواب استطالب معنی القاب  
کو رز جنرال صاحب بهادر در اجلاس کونسل الحاره هند حکم فرموده  
که بر ملک ایران حکامه کار روز را بلا اجمال شروع شود این  
فتره مستغنی از توضیح و بیان است و البته جمیع اصحاب دولت  
دانست که آن اعلان نامه را با این استهوار نامه که قفا انقاد  
اعلام جنگ است بدولت ایران از کار گذاران سرکار  
دولت ایران ثابت میکند از همین حق خود را در ایستاد دولت

۲۰۰۵

هرگز میل با نهد ام بنیان بودت چندین که دولت انگلیس شد  
 و ندارد اول سبقت در اعلام جنگ از طرف کار که از آن  
 انگلیس شد و ثانیاً میباید دولت ایران بجمع دول و غل پرویی  
 ثابت کند حمایت و انصاف خود را در رعایت مودت دولت  
 انگلیس هم نقض عهد خود و بهانه جوئی دولت انگلیس را در آنجا  
 که کار کزاران دولت انگلیس بهانه جوئی کرده بخوبت منجر است  
 اول اینکه اصل مسند که باعث برودت فیما بین اولیای  
 ایران است موره نامورد دولت انگلیس بواسطه مداخلات غیر مختص  
 او بود در امور داخل مملکت ایران که آخر کار را بجائی کشاند که  
 توکر موجب خور این دولت است بعبت بر دلبستگی که در  
 روزنامه های این دولت ثبت و درج است مستغنی میدانیم  
 از شرح و بیان آن این مقدمه را بهانه کرده بیدق دولت را  
 خوابانده ترک مراد کرده و سفارت را از خاک دولت  
 ایران بیرون برد و حال اینکه اصل صاحب مسئله یعنی میرزا  
 بنوگری اول خود شش معاودت کرد و از یک طرف هم بهانه جوئی  
 بر سر افغانستان عموماً بهرت خصوصاً کرده چنانکه اولیای  
 این دولت را در شتهای نامرجه سنگس و بد عهدی منسوب  
 کرده اند اولاً برای اینکه بر کس معلوم شود که دولت ایران  
 خیال بد عهدی با دولت انگلیس داشته است و نامورین آن  
 همه جا نقض عهد کرده اند لازم است که حقیقت این اخبار بطور  
 و اجمال درین صفحه مندرج شود اولاً بموجب عهدنامه منقده  
 فیما بین این دو دولت که بواسطه سفر فرانس سانیچ ۲۵ شهریور  
 ۱۲۲۹ مطابق ۱۹ صفر ۱۲۳۰ شمسی و بتوسط سرکرده زلی تبار سنج  
 ۲۹ شهریور ۱۲۳۰ مطابق ۱۴ صفر ۱۲۳۱ شمسی و اخیراً بتوسط  
 الرنیانیچ ۱۳ شهریور ۱۲۳۹ مطابق ۲۴ شهریور ۱۲۴۰ شمسی اتفاقاً

۲۰۰۶

یافته است دولت انگلیس نباید مداخله داشته باشد در امور ایران  
 میشود فیما بین این دولت و مملکت افغانستان که حق توسطی خواهد داشت  
 برضای طرفین اول نقض عهدی که از آن دولت بطور رسمی  
 برات در ایام شاه مرحوم بود که کشتیهای جنگی خود را بخلیج فارس آورد  
 اظهار خشموت کرد تا اینکه شاه مرحوم دوستی آن دولت را با جرای  
 حقوق این دولت ترجیح داده از هرات فتح شده دست برداشته  
 و مزاحمت کردند بعد از آن جناب بشیل صاحب امور آن دولت در  
 ایام این دولت بنای رفتارهای برودت انگیز را گذاشته است  
 اولیای این دولت با رعایت دوستی آن دولت را بر همه چیز ترجیح  
 داده اجزاء در باب هرات فیما بین قرار شد که اولیای دولت ایران  
 قرار با جناب بشیل صاحب مسئله مشتمل بر شروط چند که عمده اش این بود  
 که دولت ایران مداخلات و مراداتی که سابقاً در عهد کابردان  
 خان در هرات داشته کفایت سابق داشته باشد اما دولت انگلیس  
 من الوجوه مداخله مراد در هرات نداشته باشد و الا آن قرارنامه باطل  
 است لیکن آنکاسته شود موافق قرار رسم کل اول بیای جناب بشیل صاحب  
 نسخه قرارنامه مزبوره را بعینهما مبادله با اولیای دولت ایران نماید  
 و نسخه مضامین خود را با اولیای این دولت سپارد و تصدیق از جانب  
 اولیای دولت انگلیس صادر و بچیک از آنها را کرده و بجلاوه بر این جناب  
 بشیل موافق کاغذ رسمی خویش که الا آن در دولت علیه ایران ضبط است  
 باطل کردن قرارنامه مزبور کو کشید و از جمله دلایل ثابتی که جناب بشیل صاحب  
 در حکم ایران او که بعد از مزاحمت جناب بشیل را به رئیس سفارت  
 بودند بدست اولیای این دولت علیه دادند از این قرار است  
 در همان قرارنامه صراحتاً قید شده بود که مضامین آن  
 قرارنامه را اولیای دولت ایران بسید محمد خان نوشته  
 و بالعاق ادمی که از سفارت انگلیس در مشهد مقدس یا

شاید محمد خان داده شود مطلقاً شیل صاحب آغنا باین فرار داد  
 کرده سلطان خان آدم حوز را بهرات فرستاد و بحیال  
 اغوای براتی افتاد و چون اولیای دولت با نوشته سی  
 شیل صاحب اظهار کردند که رفتن سلطان خان بهرات  
 خلاف فرمان است در جواب با نوشته رسمی باین  
 عبارت نوشت که دستدار خود را در مراد و آند  
 شد بهرات الی غیر الهما یا آند میداند که هر کس را  
 میل دارد در هر اوقات هر چند دفعه که میخواهد از برت  
 اشخاص که باشد خواهد فرستاد بدون رجوع باین  
 این دولت و یا بدون اعلام و اشاره با تها این عبارت  
 کس واضح معلوم میشود که در اول و بعد خود جناب شیل صاحب  
 و اعتنا باین قرار نامه کرد و خود بهت خودش ثابت نمود که اگر ای  
 ایران آن قرار نامه باطل و کان لم یکن شمارد کیر احتیاج و ایراد  
 بر اولیای دولت علیه ایران بنوده با اما اولیای این دولت محض  
 دستی و انگلیس شرایط باطل شده آن قرار نامه را محفوظ میدا  
 بعد از آن اسم خواه خود جناب شیل صاحب یا مورین  
 بعد از او سزا و عطا مراد و آند و شد را بهرات بنا که آشتند  
 چنانکه طامس صاحب رز در آن دولت روزی که ملا اکرم  
 مستوفی براتی میخواست بهرات برود او را برده در خارج شهر  
 طران پول داد و تطبیح کرد و کاغذ رسید محمد خان نوشته با  
 داد که بعد از رسید محمد خان جان کاغذ از میان نوشتجات  
 او بیرون آمد باین عبارت در تاریخ شهر شعبان ۱۲۷۰  
 جناب جلالت آبا مستوفی آدم کاروان و وافی بود  
 چند فقره حرف زده ام اول آدم دولت بتی انگلیس را در بر  
 بشاند آنچه از اسباب و توپ و تفنگ و سایر آلات

شمار ضروری باشد مصالحت نخواهد شد و از آنخواه نقد نیز آنچه  
 سود و در کور ما ذون است که بهد چون این فقره را عالیجاه  
 مستوفی بنسندید بگفتم که یکی از پسرهای ظهیر الدوله تا حدت  
 جلالتاب فرما نفر ما برود در انصورت آنچه میخواهد هیچ  
 معطلی نخواهد رفت بشرط آنکه آنچه بدون افغانستان در حقیقت  
 ظهیر الدوله باید کار گذاران دولت بتی انگلیس بی طلبت بنا  
 و افغانستان یعنی افغان زبان که در آنجا سکنی دارند و تعلق  
 بجناب ظهیر الدوله خواهد داشت با کاغذهای این  
 که از ما مورین آن دولت در دست است علاوه بر مراد و آبا  
 بر اولیای دولت ایران لازم بود که موافق نص قرار نامه آن  
 فقرات را کان لم یکن نگارند و بهان حقوق قدیمه که در عهد نامه  
 دولتی مندرج است باقی بمانند لکن باز نظر بلاخط دوستی  
 متعلق مرفوع حرکات یا مورین آمانا شده سکوت که زانند  
 تا بعد از فوت کندل همان که امیر دوست محمد خان آمده قند مار  
 تصاحب نموده حال آنکه بنایت از خود سجا و ز نماید خفاش  
 بلند پروازی کرده بطبع بهرات افتاد و ما مورین انگلیس هم در این  
 ساکت بودند بلکه بهانه جونی خود می افزودند بجهتیکه در چهارم  
 امیر دوست محمد خان وارد قندهار شده و در نهم شهر فروردین  
 بیدق دولت انگلیس را خوا با بنید از انطرف هم اما لی بهرات از  
 اعیان و اشرف از قبیل شاهزاده محمد یوسف و سایر  
 و سردار احمد خان و محمد حسین خان بیکر یکی هزاره و حاجی غلام  
 و عباس خان و بر اعظم و اعیان محلی عرضیه باین مضمون عرض  
 که سواد آن عرضیه در اینجا معاینه نقل میشود و آن اینست از آنجا  
 بر جا کران عقیدت فرجام و غلامان عبودیت ان نظام لازم  
 که سواره لبر ایض صداقت فرایض در مقام اظهار بندگی و

۲۰۰۷

بر آنکه مراتب امورات را عرض داشت بنموده با درینوقت رفع  
 بیزیت ادراک شرف زمین بوسی مقتدر ویدارسال این عزیز  
 عهد ذیت فریضه ذریعه اظهار چاکری و ارادت گردانید حیات  
 پیرا کردید که چون علایمان خود را از چاکران صادق العیند مشاهده  
 در طریقه دو تنخواهی و عبودیت لازم دارد که بعضی مورد حالات  
 گستاخی نموده باشد که در این ایام از جانب قدامت احوال رسیدگی  
 دو مستحقان با مواری شایسته هزار شکر و پوختن استعدادهای  
 ولایت قضا گردیده و بر احوال مقدمه هرات ظاهرا اطلاع  
 در ورود خویش استحضار یافته و حرکت آنهم بحکم دولت بیست  
 انگیز میباشد سر و در محض صدیق از وصول امیر ارک قضا در آن  
 بکسرگ آمده و سردار رحمدل خان استقبال امیر نموده رفقه او را  
 بشهر آورده هوای آمدن هرات را از قرار نوشتجات تجار محترم  
 خاطر داده عزیمت این خیر را در السند و انوار خواص دعوا مینماید  
 و هفت روزه مسیورت حواله کرده اند که بعد از وقت روز  
 هرات حرکت کرده باشد هر چند مردم هرات که چنگ امیدواری  
 باین دولت کردند و عدت علیحضرت قدر قدرت سلطان  
 شاهنشاه ظل الله علیمان پناه روح العالمین فداه  
 مرحمت طوایب مستطاب کایا شرف اعظم انجم مجد و الا  
 فداه استحکام داده و البواب خدمتگاری و جان شاری چه  
 امیدواری کشاده توقع آن داشته و دارند که در زمره  
 دولت کردند و لطف علیهم انحراف یافته و ضعیف این معتمد  
 معلوم گردیده باشد اگر چه نواب شرف امجد والا در مقام  
 و دلجویی این مردم بر نیامده و بالتفات نامچه قسم مبارک  
 و اصدا ر چند خلعت هفتخو و سر قرار نظر نمودند حال که مخالفین  
 علیه را حیا ل فاسد کنون دماغ راه یافته از اطلاعی که بر او  
 رسیده

هرات دارند که سینه محمد خان بچگون و سودانی که مجتهد  
 بود شکر و رعیت را خراب و اوضاع را پریشان کرده با این  
 فاسد اقدام نموده اند چون دست امید داری این مردم بدین  
 کرد و نعدت علیه جفا شد و چشم توقع رحمت نواب مستطاب  
 اشرف امجد والا رو خناینداه دارند بگرا آدم دست معصیری با نور  
 فرموده که آمده از اینجانب قضا و امیر و سرداران بارگرا  
 رفقه اعظام ده لقی داده باشد که ولایت و حاکم هرات معلق  
 دوران لطف علیهم میباشد و فراموشی از منتهای هرات است اگر  
 هم مواخواه و خدمتکار دولت علیه میباشد باید بچیک از خاک  
 ولایت عبور کرده و دخل بولایت دیگر نماید اگر شایان را سر  
 دولت صمیمه خاطر گردید و خیال دیگر بخاطر رسیدن یقین بداند  
 که هرات و حاکم هرات معلق دولت علیه است و شکر و حکم او  
 که باشد خرج امر هرات خواهد شد و حکمی در الضباط و درستی کای  
 شکر هم امیدواری است که صادر کرده که بهر ای مقرب اینجانب  
 ساخنان اینجانبی قدم فراموش نبوده اقدام نمایند که حالت  
 که خداخواسته از خرابی هرات مرارت و ککالت کلی ظهور خواهد  
 یافت و بعد از امت و پشیمانی را فایده نخواهد بود زیاد  
 و زبان درازی شود از جانب این دولت علیه ساخنان این  
 بی قشون برای اطمینان تسلیم هراتی روانه داشته نواب  
 حاکم السلطنه با قلیل قشونی در جام توقف نمودند غافل از آنکه  
 امیر و دستخواران در ضمن بعضی از افاضه هراتی را با امیر  
 تطبیح و تحریک کرده بر شاهزاده محمد یوسف شورش کردند که با  
 از هرات بیرون کن یا خودت را بهم بیرون میکنیم سجد یکبار  
 شد ساخنان که بجز است آنها رفقه بود حرات جان خود را  
 مقدم دیده باغ شاه رفت با اینکه قشون و جتیمی همراه  
 شد

۲۰۰۸

انجام نکرده است بعلوه ملک رفته انجا هتیه قش را دیدند  
 در برای آتش سبب چیدن لایه و ناچار شده آدم نزد  
 حاکم سلطه سلطان مراد میرزا فرستاد و بزار مرارت خود را  
 بعلوه شکبان رساند لوات مغزی ای معرب انخان پاشا خان  
 سرپ رانستادند که خود را شکبان رسانید و اورا مستخلص  
 از اینها بدتر در معادست معان و پاشا خان در غوربان  
 راه بر آنها گرفته مجاریه و معانله اقدام کردند و از انطرف سردار  
 احمد خان را از برات باد و هزار سوار فرستادند که این  
 ساختمان و پاشا خان را در معرض قتل در آورند و آب  
 که ایستور دیدند با جان قلیل قشون خود را بجا و نت ساختمان  
 پاشا خان رسانیدند آیا با این خلاف هر آنی که قشون دو  
 اولی از ترس امیر و ستم خان بدعت خویشند و آخر ستم  
 او برای همان سبب قتل استند اولیای دولت غیر از  
 در مقام تبیه هر آنی براید چه چاره داشت و کدام دولت خود  
 میتواند این بی غیرتی را بجا نماید با یک بداند در برابر عدی است  
 اگر آنجا را تصرف کند هرگز این دولت را سوده نخواهد گذاشت  
 بلکه خلل با نیت خراسان خواهد داشت قطع نظر از این که اگر کسی  
 خارج مدعی برات میشود موافق همان قرار نامه بر عهده دو  
 ایران واجب لازم بود خود و سرپ عیسی خان و متابعان او  
 محل استقلال حکومت برات شدند با معنی که خود آنها امیر و  
 دعوت برات کردند و خواستند برات را با تسلیم نمایند در  
 اولیای دولت علیه ایران حقین بهم رسانند که همان سرپ  
 و اتباع او را هم دفع نمایند تا برات به دست غیر نفیقه و در استقلال  
 بماند و انکه حالاً که معلوم میشود موافق نوشته جانی که از امیر  
 و غلام حمید رخا نپرس بدست آمده است صریح اغوی و تحریر

کرده اند هر آنی را با اینکه تا بت قدم بایستند که از دولت انگلیس  
 طرف پیاد قشون بجای آمد و از طرف شکار پور فنک پول و قورخان  
 دستداد به پیشک سید است با اینها هم محض ملاحظه بقای دولت  
 دولت انگلیس اولیای دولت علیه ایران مضائقه داشته و ندانند  
 که برات را با حصول اطمینان از عدم اعتناش آید بکنفر حاکم  
 و اکلانند و قرار نامه بخنده با جناب سید صاحب وقت دهند  
 رعایت اجرای احکام از آنجا نمایند و ترضی جناب ستموز را هم باندازند  
 موافق شان دوسین بند اما کار کاران دولت انگلیس محض جوی خراسان  
 دیگر نیز بر این دو فقره که از روز اول مطالبین و کلا طرفین مختصر  
 افزوده اند هیچ مناسبت دخلی معلوم نیستند حاضرند از این معلوم  
 مرتبه یعنی مخالفت است با عهده قدیم که سلطان بزرگ امضا داشته  
 بر عهده ام ب دولت پوشیدند که دولت علیه ایران هیچ کار یکدیگر تراض  
 با دولت انگلیس و حاجت سوال انگلیس با پیش کینه و از قبول تکلیفی که  
 تحمل آن ممکن و مقدور با دعوت کسر و نقصان دولت و خفت فایده  
 محض غایت دوستی آن دو مضائقه اند لکن در صورت تکالیف اند  
 و بلاق با و محض حکم غیر حقین لیل تا به خواستند با ستم جری دار ملک غیر ایران  
 که با کار کارخانه و بکارخانه و طرف شرعیات هر تواند خط خود را در برابرش  
 بر آن جوی دولت انگلیس کویا این فقره کافی با که کبریه جناب و کینه  
 اند و تقیم سلطه بود و یکد نیم حساب لار و کلا برین وزیر دولت خارج  
 اند و تقیم سلطه بود و یکد نیم حساب لار و کلا برین وزیر دولت خارج  
 عظیم شد و جناب لار و کلا برین وزیر دولت خارج  
 لایحه مصلحتی گذار این دو فقره که عبارت از ترک برات با حقان  
 و ترضیه ستموز با اظهار کرد و از جناب اولیای این دو نوسه که جناب  
 این الملک المچی مختار است می آید گفتند و از این امر تمام خواهد کرد و هنوز  
 بود و با قبول بره بود که معلوم کار بجا خواهد کشید و راه نوسه که حال  
 این استهارم را نوشته و اعلام جنک کردند از همه غیر این بعد از آنکه المچی

۲۰۰۹



و از اسلامبول شد و التماس کرد که من مورم درین باب سوال و جواب کرده  
 رفیع بودت حاصله را بنمایم باو بی قضا فی کرده در اول او را جواب دادند  
 که ما دیگر سوال و جوابی نخواهیم کرد آنچه بعد از آنکه بنای گفتگو را گذاشتند  
 و تخطیفاً شاکر شدند چون مطلقاً مقبول باقیه داخل دستور العمل و بنویسند  
 که با و یکا دولت خود آنها کند قرار دادند که چهل روز مهلت با و این  
 در ۱۴ شهریور سال اول دادند در بیخ فی افراس بر سر بندر کوچه که  
 که علیه صد نفر آدم مستحق آنجا بود از توابع پو شهر جمله برده بود و از ده  
 آنها که در کنار دریا بودند و بیرون آمدند آنجا که چکی خود را در آنجا  
 آوردند اولیای این دولت بودند که دولتهای بزرگ با انصاف با این دولت  
 است و بعضی عمدتاً نسبت باین دولت قبول خواهند کرد یا معلوم خواهد  
 بگردد روی زمین که دولت انگلیس نسبت باین دولت خیال بهانه جوئی و  
 بیعتی را پیشین داده داشته و دارد  
 چون مراتب ارادت و صدق عقیده نواب مستطاب هزاره و الا با  
 در پیشگاه اقدس مایون شاهنشاهی خلد الله علیه و سلطانه در جبهه  
 و شایسته شمول عواطف خدیوانه کردید لکن محض رحمت انعام شاه  
 بکثرت بکلیه تریب بسیار سبکی از انقبوس خاص بن مبارک نواب معزی الیه  
 مرحمت شد  
 چون نواب مستطاب هزاره و الا با مویز الله علیه و سلطانه میرزا  
 ملک فارس در انتظام مهمام حدت و انجام حدت دیوانی و نظم قس  
 لغت نمون مراقبات کاشیده و در نظر خاطر اقدس مایون کما علی حضرت  
 شاهنشاهی خلد الله علیه و سلطانه از نظر مراقبات و انعامات نواب مستطاب  
 فرزندیت لکن بجزب فرمان مهر لعلان مایون اختیار نمودی عساکر  
 مأمور فارس را بعد نواب معزی الیه محمول و موقوف فرمود و در قبه آنها  
 دستور لازم از سردار آرا برادر و عزل نصب از سر قبه تا بین از جانب  
 اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی خلد الله علیه و سلطانه مآذون و مختار

کردیدند و با عطای بکثرت بکلیه تریب هزاره تریب زیاد هم از انقبوس  
 قرین امتیاز و افتخار شدند  
 چون محاسن قدوسیت و حدت اری در مرتب انعامات مقرب انجاقان  
 مهر لعلان شجاع الملک در انجام حدت دیوانی مرض خاکپای مایون  
 اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی رسید مساعی چند مقرب انجاقان معزی الیه  
 پیشگاه اقدس اعلی موعود حسین و قبول یافت و اورا سر او را اعلی  
 در ارتقای درجه و توسعه دایره ارسطو آوردند لکن در نصب سردار  
 مسعود مأمور و متوقین فارس سر او را فرمودند فرمان مایون سر  
 یافت موازی بکثرت قسای زری نظامی از انقبوس بدن مبارک  
 ا و رحمت و انعامات  
 چون عمل قسوانی و قورخانه فارس با مقرب انجاقان مهر لعلان  
 بود و حسب الامر قدر قدر جهان اطلاع مایون مأمور بندر پو شهر  
 کردید لکن نظر بطور محاسن حدت اری و کار دانی مقرب انجاقان  
 میرزا انیم شکر نیسانی فارس سیدی کی امیر کز حضرت مآذون مستطاب  
 امر تو را خانه ایجاد غیاب مقرب انجاقان سردار معزی الیه لکن انعام او  
 محمول و موازی بکثرت خیر تریب رسم خلق بافتخار و رحمت و انعامات  
 و نیز وصول بصال ایات فارس که با مقرب انجاقان شجاع الملک بود و بعد مقرب  
 حاجی میرزا شمس خان امیر دیوان فارس مروج که هم مشمول انتظام امور نواب  
 عرض داد مردم با و هم در وصول بصال ایات یواسعی مشکو و بعد  
 موازی بکثرت بجزب تریب اعلی در حق او از جانب سنی بچون مایون  
 چون عالیجناب میرزا شمس خان علام مشیرت نوبی ادا موقوف در رختخانه آن  
 با و باقی مقرب و معروض شد بود این وقت که اگر در او رختخانه آن  
 فی سابقی بجزب سکاری دولت و ایستاد اقامت نمود بجزب میرزا انیم شکر  
 منبوره خدمتی بدیوان اعلی کرده و سخی کردن بر اجابت موعود ملک محض  
 باریس نیل و شمس نیل ولوی نیل در ابلاغ رسیدن نومان انعام که چندان  
 بیت نومان بوده تا عنایت فرمودند که از پریشانی و موقوف متخلص

۲۰۹۰



v

### سایر ولایات

ادریبایجان از قراریکه در روزنامه دار السلطنه تبریز نوشته اند سابقا قدری کدم تعمیر بهم رسانده و مان فی الحقیقه گران شده بود و مقرب الخاقان متحد در بار سپهر ام قایم مقام بهت هزار خرد و از غله دیوان اعلیٰ خجستان بقیه یکین کما فی کتب از نرخ بازار داده و انبار داران را نیز ترغیب کرده بود که غله خجستان بفرستند و در انبار نگاه دارند چون اعلیٰ از غله داران باز در فرض غله خود دخل نمیدوند در این اوقات مقرب الخاقان مشارک آید آنها را خوشه و قرار داد که هر یک از غله داران دو دکان از خجستان و از خجستان خود بگردن گرفته هر قدر ضرور میشود بدیند و خرد از هر ایشغال را چهار تومان و نیم بگیرند که عذر جماعت خجستان با لمره معطوع کرد و بعد از آنکه غله مذکور داده شد صاحبان غله خجستان را بگردن گرفته و غله دادند نام فراوان شد و از قرار یکین هزار ایشغال و ششای نرخ داده شد و از غله خجستان الهی بارانهای با منفعت نمر بکرات بارید و زارعین کشت و زراعت خوب کردند و اینست که نشانی سال آینه غله فراوان بعمل آید

دیگر نوشته اند که دو فوج مرغه که حسب حکم اولیای دولتی احضار شد در بار کالیون شده بودند درین باب شرح مویک مقرب الخاقان خجسته خجستان قاجار میر خجسته نوشته شد که بعد از آنکه موجب سه ماهه دو فوج از محل پرداخته شد فوج چهار با خود برداشته تعمیر زیاده و در اطاق نظام سه ماهه مانده آنها را نیز پرداخته روانه رکاب نصرت ایشان نمایند نظیرا در تبریز ناخوشی بود مقرب الخاقان مشارک و صاحب منصبان از مقرب الخاقان قایم مقام خواهش کردند که آمدن فوجها را

تبریز مقرب نوشته لشکر نویسنده فرستاد که سان فوجها در مرغه دیده موجب آنها را برساند که از خاک خجستان کشته انتساب روانه شوند مقرب الخاقان مشارک الیه هم بر حسب اتمام عالیجا میرزا علی شکر نویسنده امور مرغه کرد که موجب سه ماهه فوج را در خجستان پرداخته روانه شوند و آنچه پیش از این لازم بود همه را در تبریز متبانی نموده روانه مرغه کرد از قراریکه بودند بنا بود است که در اوایل ماه بریح ان فی دو فوج بود از مرغه حرکت نمایند

و همچنین توپچیان طوائف هم نوشته اند که دست بسته موجب خود را در اطاق نظام باستحضار لشکر نویسنده گرفته روانه در بار کالیون شدند

### عراق سلطان آباد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند بند نهموز که از بنای سلاطین سلف بود در بنده لویه پیل بوا سفت با زندگی وسیل در اوایل سال آب کنده بود و آن قریه خراب و بی آب ماند بود و از اولیای دولت جاوید است حکم شده بود که مقرب الخاقان میرزا حسن خان حاکم عراق بند نهموز از تبریز مقرب الخاقان مشارک الیه هم حسب حکم معماران و علمه و سخاوت و وسایط فرستاده بند نهموز را خیلی بهتر و محکم از بنای اول سفته از مکانی که از دو طرف کوه بود در مدتی پنج ماه از سنگ و آهک و آجر بنیاد کردند و در ماه بریح الاول صورت اتمام یافت و آب قریه منوره در نهایت خوبی جاری شد و مالی آنجا زراعت و درستی خود و دعا کونی ذات اقدس عالی شاهنشاهی مشغول شدند و کمال شغف و شکرانه و شکر شدند

از اینجی بهم رسانند

دیگر نوشته اند که چون بر حسب حکم اولیای دولت قاپوچی  
 شده بود که فوج قدیم کرانه ابوالجلی علی بنی خان سپه  
 مستجار روانه استانبان شود مقرب انخاقان میرزا حسن خان  
 محض حصول اکامی از حکم اولیای دولت علیه آدم بهینه بود که  
 کرانه فرستاده سرتیب و صاحب منصبان فوج مزبور را اعلام  
 نمود که باید دوروزه در استانبان که در سر راه برود و واقع است  
 حاضر شوند که روز سیم روانه محل مأموریت گردند و خود نیز تا  
 روز سوار شده باستانه رفتند در عرض مدت سه روز عمو  
 فوج را موجب و تدارک در محل خودشان داده تا منزلت بر  
 که خاک کرانه بود بدو فرستاده و از آنجا علیجا میرزا اسماعیل  
 با همراه فوج نمود که اگر موجب تدارک سربازی نرسیده باشد  
 با از دهی سربازی نیامده باشد موجب او را کار سازی کند و  
 بمحض سانه شارالیه میرزا خاک برود و فرستاده نامی آنها را  
 انجام داده مراجعت نمود بعد از اتمام دوروزه حکم مأموریت فوج  
 فرمان ابوالجلی علیجا مقرب انخاقان محمد حسن خان سرتیب  
 علیجا رحمت الله یک با و فوج مزبور آورد با باز بستن  
 کرانه محض حصول حکم سرتیب و صاحب منصبان دو فوج مزبور  
 اعلام نمود و مستحوا دادن موجب و تدارک آنهاست و نفی  
 پنج روز و فوج را نیز با موجب و تدارک بسراپی سرتیب  
 روانه داشت و با حکم مأموریت دو فوج فرمان حکم رساند  
 موجب و تدارک فوج سرتیب هم رسیده بود که آماده باشند  
 تا حکم مأموریت آنها هم برسد همان روز آدم سرتیب هم  
 اعلام نمود و آنها هم کل موجب و تدارک فوج خود را تمام  
 پرداخته و آدم مأمور مراجعت نمود با آنچه در مدت ده روز  
 فوج را موجب و تدارک داده با کمال ارسکی روانه محل مأمور  
 دیگر نوشته اند که در اوقاتی که مقرب انخاقان میرزا حسن خان  
 سخته روانه کردن فوج کرانه باستانه رفته بود بعضی از ارا  
 استانبان را ملاحظه نمود که گود کرده و با آب شسته بودند سبب از  
 استانبان رفته اند و امالی استانبان مذکور داشته بودند که خند فخر  
 از این جهان باستانه می آیند و این زمین را راقطه قطعه قطعه  
 و آب می بندند بعد از آن میسوزند و از خاک نه آن خورده و طلا  
 اراضی زراعت و خزانهایی که خانه بود و حال هموار شده است  
 میخورد بطالع خریدار احتمال میرود منسبی را که سه چهار تومان  
 ده پانزده تومان طلا از آنجا بچل می آوردند و احتمال میرود که  
 مایه نیز بچل نیاید معلوم میشود که در خاک آنجا خورده طلا هم  
 اما همان هدیهها میسوزند از خاک خارج نمایند و امالی خود را  
 سرشته این کار را ندارند

دیگر نوشته اند که چون مرحوم یوسف خان سپهدار که ارک و قلعه  
 سلطان آباد را بنا کرده بود در میان ارک و جنب عمارت دیوان  
 یک طرف ارک را چند دست عمارت محقر که مشهور به خانه غلامان بود  
 و غلامی نیز در آنجا ساکنی کرده و میر و بکتی منهدم و ویران شده  
 و چنان هم اتفاق افتاده بود که از میدان و سردرب و بار و در  
 ارک که درین دوره تعمیر شده و خیلی با سکو منظر می آید داخل ارک  
 میشد اول خراب بسیار منظر می آمد و نقص کتی برای عمارت بود که  
 جنب خراب واقع شده است و بنظر ما خوش آیند بود مقرب انخاقان  
 میرزا حسن خان درین اوقات داده است آن خرابها را کلاً  
 هموار نموده و باغی بسیار خوش قطع و باروح و نمایش طرح انداخته  
 و نهالهای او را با تمام درین روزها نشاند بسیار جای با  
 و صفای شده است که خلوتها و عمارت جو منظره دیوانی را طیوان  
 بان باغ دور و دور کرد و خیلی بسکو عمارت افزوده است

۲۰۱۲

هرات

تاریخ  
والا  
از قرار یک در روزنامه هرات نوشته اند نواب مستطاب  
حسام سلطان نظام امرانولایت و رفاه و امایش حجت است  
کافی پس آورده اند بحسب رعیت داری عموم الملی انولایت راز  
اعالی و آذانی از خود راضی دارند و مردم آن شان با کمال  
و ائمه داری به احترام این دولت جاویدت علی مشغول و عا  
ذات اقدس هاین شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه  
نواب مغزی ایضاً بروج و بدنه و در دارنا و محلات را  
بعهد و اتمام عالیجاه مقرب انخاقان حسنی خان سرتیپ  
و اکثر کرده اند عالیجاه مشارالیه هم در حسن معاشرت با  
مردم کمال مراقبت و اتمام را بعمل می آورد و روزی کبری  
پرسبیل ستمار بر و ارا و نظراف شهر چهار سوق کردش  
سرکشی و رسیدگی با مردم بنیاید الملی انجا بخصوص  
واعیان اغلب اوقات بمنزل مشارالیه آمد و شد و اظهار  
از عواطف این دولت جاویدت علی بنیاید عالیجاه  
یاور را با سید نصر سرباز و صاحب منصب در چهار سوق  
و پای تحت نشاند است که روز با تنظیم امور و رفع منافع  
معلقه با مریار مشغول استند و شبها از همین سید نصر  
در چهل مقام که محل عبور مردم است فر اول که استند میشود  
خود عالیجاه عبدالله بیک یاور با صد نفر سرباز علی الاتصال  
کوچما و محلات گردش میکند و از فر اولها سرکشی بنیاید که هم از  
امورات اتفاقیه مطلع شوند و هم اگر احوال اعیان را بطلب  
هر کس باشد تا صبح در فر اول نگاه میدارند و صبح مقتضای  
احوال او قرار کار او داده میشود و دستجاب سرباز که بصلط  
در و ارا و بروج کتاشته شده است هر یک در مقام خود

روز و شب در تنظیم امور و انجام خدمات معلقه سنج و مرآت  
و مواظبت بعمل می آورند  
دیگر نوشته اند که سابق بر این معمول بوده است که باری که  
داخل شهر میشده است و اولان از صاحب ان باری  
میکرفته اند نواب مستطاب هم سلطانه این قاعده را  
داشته اند و قدغن نموده اند که بعد از این از باری داخل شهر  
میشود احدی در دروازه چیزی مطالبه نماید تا رعایای  
مرحله در کمال باشند  
دیگر نوشته اند پیش این سربسکرات و خرید و فروش  
و ارتکاب منافی و ملامتی در هرات بطور و صرح و آشکارا بود  
نواب مغزی الیه درین باب بمسئم بعد از افتتاح شهر قدغن  
در اول در شیرها خانه که داشته و چند نفر زن فاحشه  
که بودند آنها را پیش قاضی بلد فرستاده توبه دادند و کسی  
مرکب هرگز و شراب شراب نمیتواند بشود  
نوز و زانام صفار چهار سوق آمده بعد الله بیک یاور  
کرده بود که بیست روز قبل ازین که زمان محاصره بود عباس  
بقدردن تو مان اموال و اسباب متروکات خانه م آورده است  
مشارالیه فرستاده عباس نام را حاضر کردند بعد از  
و صدق مدعا متروکات مفصوبه را کلام مسترد و صاحب  
و نیز ضعیفه بزد عالیجاه عبدالله بیک آمده مذکور داشته بود  
که شش روز پیش که دختری هفت ساله یافته ام و صاحب  
معلوم نیست مشارالیه نجاری بجهت آن دختر داده گفت او را  
موجه با مستند صاحبش پیدا شود بعد از چهار روز  
مادرش پیدا شده دختر را تسلیم او کردند

۲۰۱۳

### کردستان

از قراریکه در روزنامه کردستان نوشته اند فرمان جهان نظام  
 مبارک که در باب فتح بهرات شرف صدویافته بود در بیستم  
 ماه ربیع الاول بانجا برتو و وصول افکنده مقرب انخاقان و  
 کردستان با حسیج اعظم واعیان و اعلی ولایت تاصلو  
 و در فتحی سنندج با استعمال شتافته و از انجا با اعزاز و  
 و از دحام تمام بانقاره خانه و ششک توب و زینورک و ارد  
 قصبه سنندج گردیده اعلی وادانی از غیبت بومی مسجد و  
 که مسجد جامع قصبه بزور است حسیج آمده فرمان مهرلعان  
 خطیب در بالای منبر خوانده مضمون نظرمون آن را که شد  
 خاص دحام نمود صغیر و کبیر و برنا و پیر آغاز مسرت و دمانی  
 بهجت و کامرانی نموده دکاکین و بازار مارا این بندی و  
 کردند و شبانه روز مردم مشغول جشن و سرور بودند و  
 عشرت و مسرت را بعل آوردند و همچنین در سایر بلوک کرد  
 از جوانه و واورانان و غیره همه جا شبانه روز این بندی  
 و چراغان نموده کل رعایا و برابا بدعای دوام دولت و  
 شکست اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاه اسلام سپاه قتل الله  
 حکم و سلطان طیب اللسان کردند

### گیلان

از قراریکه در روزنامه ریشه نوشته اند امور ولایت از انجا  
 حسن عیبت داری امیرالامراء العظام مقرب انخاقان عمید  
 قرین کمال انتظام است و رعایا و برابا آسوده خاطر و عاکونی  
 اند سن بلون شاهنشاهی استعمال دارند در روز ششم شهر  
 ربیع الاول چا پار حائل فرمان مهرلعان که در باب فتح بهرات  
 شرف صدویافته بود وارد رشت گردیده امیرالامراء

عمید الملک برای ابلاغ این مرده دیند بر مسجد جامع آمد و گل  
 نوکری دلیوان و حسیج اعظم واعیان و جناب مجتهد الزمانی  
 حاجی ملا صادق بابا علیای مد حضور هم رسانده فرمان  
 خطیب سرفر خوانده مضمون مسرت مشغولش را که شد و  
 وادانی نموده همدم خلق را مستری تازده و انباطی بی اندازه  
 بازار مارا دکاکین را زینب و ازین داده چراغانی نمودند  
 عمید الملک سرور عیش و انبساط منعقد نموده فرمان مبارک  
 سواد کرده با طرف محال کبلان از سر قد انزلی و لایحان  
 فومن و شفت و دلیمان در انکوه و ستاده همه جا عیش  
 و شادمانی و این بندی و چراغانی شبانه روز فرخنده بود  
 و تا سه روز در رشت و سرقد انزلی هر روز ششک توب شب  
 عطا و مجتهدین و اعظم واعیان عده و تجار و کسبه فرقه فرقه  
 بچوقه در مجلس مقرب انخاقان مشارالیه حاضر شد و صرف مسرت  
 شیرینی میبوندند عالیجنابها ملوف صاحب قنول دولت هم  
 از بابت دایمی رسم تهنیت با اتباع قوسو لکری بدیدگی  
 عمید الملک آمده اظهار کمال مسرت و شادمانی نموده صرف  
 و جای کرده فرمان مهرلعان را خواسته زیارت نمود  
 سواد انزروی آن پرستش و بی نهایت اظهار بهجت و سرور  
 کرده بمقرب انخاقان معزی الیه اظهار نمود که فرح و انبساط  
 تبعه دولت بهیه از استماع این مرده دیند بر و این فتح  
 فیروزی اثر نفسی است که چنین فتحی سجد اعلیحضرت امیرالامراء  
 روی داده باشد با بجه صغیر و کبیر از وصول این مرده  
 پرور بطوری اظهار مسرت و نشاط و فرح و انبساط نموده  
 بلوار هم عیش و شادمانی و این بندی و چراغانی بر پا  
 مزیدی بران منظور نبود

۲۰۱۲

اخبار دول خارج

از قراریکه در اخبار دول خارج نوشته اند مسکوکات مس که در ایام جمهوریه آخر در فرانسه سکه شده است بعضی طلاست و از ربه بیت و رانها بود اعلیحضرت امیرالمؤمنین فرستادند که این مسکوکات از میان مردم برداشته شود حکم کرده اند که این مسکوکات را هر کس دارد تا ده روز مهلت است که آنرا بجان حکومت تسلیم و عوض از او جو رواج بگیرد و بعد از ده روز هر کس از آن مسکوکات را در دولت قبول نخواهد کرد و در او راه در کل لایقانه منع و ممنوعه اعلان کرده اند

دیگر نوشته اند که مملکت سیام هندوستان تا کنون هیچ دولتی اختلاط و آمیزش و آمد و رفت تجارت نداشت و از خارج قطع امتداد و شایانکه داشت داخل مملکتش شود چند سال پیش از طرف دولت انگلیس پرسیدند و بطورهای دیگر با آن قرار داده شد که فقط دولت انگلیس راه تجارتش با آن

مصحح باشد

دیگر نوشته اند که حکمران مملکت سیام بجهت تخفیف قشون و تسخیر و وسوس که در دعوات آنها شجاعت از آنها میل آمد بود از برای چند نفر از سرداران دول مزبور نشان شمشیر با چاقو روان کرده است و ایچگی مذکور دو سه ماه قبل ازین با آن رسیده و در روز او را نوشته بود مذموب روزنامه که این اوقات شمشیر را میوه و پارسی پای تخت فرستاده اند و ما مورس خود را ایفا نموده با دولت فرانسه هم قرار معاهدت تجاری ما نذاشته اند و دولت انگلیس که همیشه اند میکرده

دیگر نوشته اند در آمدن سیل زیاد در فرانسه چند وقت

که خرابی بسیار بعضی شهرها رسیده و تفصیل آن در روزنامه

سابق نوشته سیلاب آنوقت بعضی بحال ما زیاد آورده بود حتی در ایالت ماری فرانسه بر تبه مار آورده که بشماره در نمی آمد مردم از مضرت آنها آسوده نبودند و از خانه ها که بیرون می آمدند دولت فرانسه قرار داد که این مار را از آنها بگیرند و هر کس هر قدر گرفته باشد آوردن یکی نصف فزانه که ده شاهی پول ایران باشد بگیرد و در چند روز شامزده هزار مار تسلیم دیوانیان کرده پول آنها گرفتند و باین قرار اندک مدتی سخاوت کشید که بکلی این مارها هر جا باشند بگیرند و اثری از آنها نماند

دیگر نوشته اند که نقره در ولایت چین و هندوستان از سایر ولایات کمتر غزرتراست و سیلاب زیاد هم در چین زمین از نقره بسیار نقره زیاد بر قیمت خود در این دو ولایت بغرورش میرود و باین سبب ارباب تجارت آنجا در فرانسه و انگلیس نقره بود بملغی زیاد از قیمت خود

بآن ولایت فرستاده بطوریکه در این دو دولت نقره بسیار کم یاب بلکه بدرجه تمام شدن رسیده است و این تجارت حال با المانیا سرایت کرده رفته رفته نقره از المانیا بیچیده میشود بجهت گرفتن جلوا این معاهد چند وقت پیش در افغان المانیا را نکلا در یکجا جمع کرده و قرار دادند که بعد ازین پولی که داد و ستد میمانند باید نصف آن را بمانیا

نقره باشد

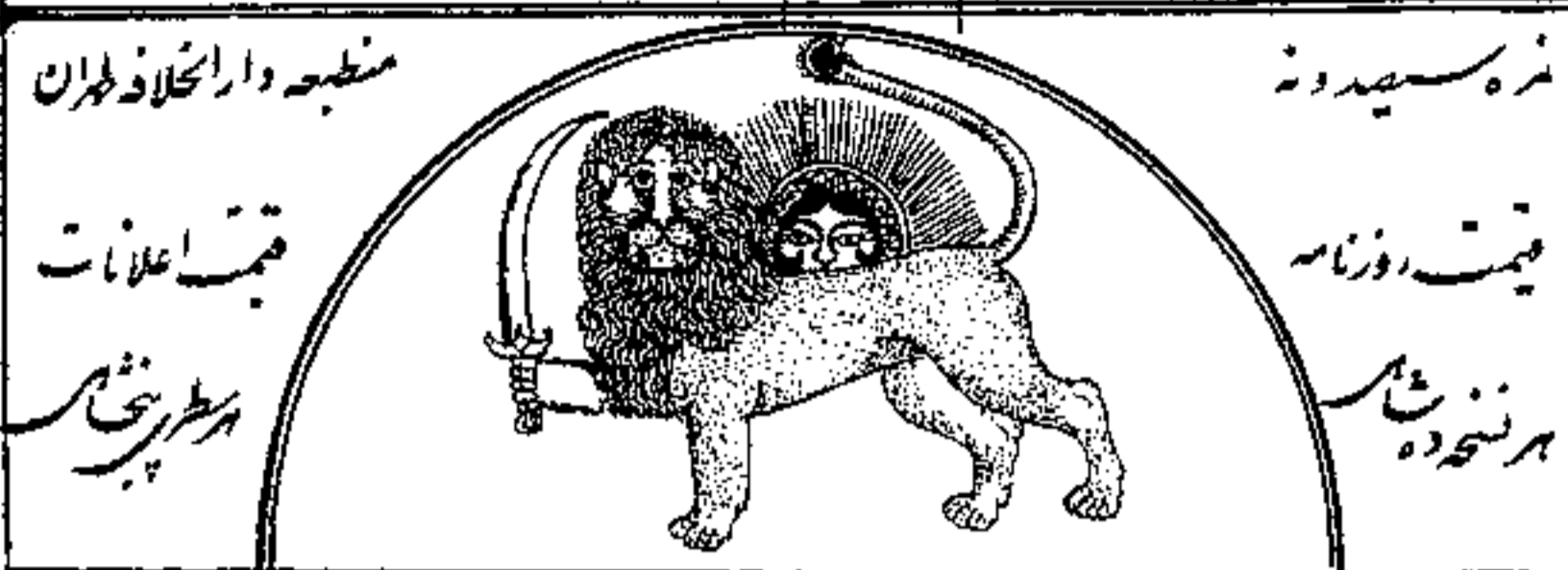
بجهت فرستادن بولایات خارج هر روز در پوسنه خانه لندن روزنامه تسلیم بشود روزی هزار تومان گریه چا پارکی این روزنامه میشود از قرار هر روز نامه یکشاهی پول ایران

دیگر نوشته اند که در سمت جنوبی یکی دنیا در ایالت قانزاد  
 ایستاد و حاکم است اما با آنجا بد مزاج نیست و مانند پسر دانه  
 با بیخه از اهل افریقا که بهوای گرم معتادند غلام سیاه میزند  
 و بکار زراعت باز میدارند چون سمت شمالی یکی دنیا قانون  
 از اوست و غلام و کنیز خریدن و ملوک داشتن مخالف قانون  
 آنهاست تاکنون بکرات در مقام ممانعت برآمده اند و  
 سمت جنوبی قبول کرده و دست ازین عمل برداشته اند  
 قرار گذاشته اند که درین خصوص اکثریت آرا از کدام طرف  
 باید بماند راضی باشند لاجل الحاکم که از طرفین با عدالت  
 تعیین بشود این تن که منقر حکومت جمهوری بیکی نیست  
 کرده بودند چونکه در شهر مذکور با این مجلس ملی و مجلس اصلا و کان  
 و خوانین از چند و پیش ازین تفرقه و برودت اتفاق افتاده  
 بود و مجلس ملی مذکور دعای ظاهر ختام پذیر شده باین  
 امالی مرقوم روز بروز این منازعه اشتداد یافته بعد ازین  
 در اینجا ظهور غشاش ملحوظ شده مجلس ملی مذکوره بجهت عدم  
 اتفاقان رای یکدیگر را بهم زده عادتاً نظر کردن هیچ کار را  
 التزام نموده اند حتی تاکنون عساکر جمهوری مبرور تحت نظر  
 داخل بنوستان مایه احتلال شده اینها را یک اصول و نظایر  
 منبوط نمودن تعینات معاش آنها را فرزدادن از جانب  
 مجلس ملت قرار داده شده و رئیس جمهوری نیز با آنجا  
 شده بود ولی مجلس خوانین و اصلا و کان مخالف رای آنها  
 بوده و ایراد بعضی گفتگو نموده اند و این حال امتداد یافته بود  
 خرابی اساس بنای حکومت آنها گردید چندین مرتبه بجهت  
 دادن ماده عسکریه از جانب رئیس جمهوری در غمتوس  
 امالی این دو مجلس دعوت شده و درین خصوص سه هفته تمام  
 میگذشت

مذکره نمودند باز بجائی نرسید رای خوانین و اصلا و کان  
 با رئیس جمهوری متفق نشدند نهایتاً رئیس جمهور با مجلس ملی  
 و بجهت معتد رشتن بیرون آوردن پول از خزانه قرار متفرق  
 شدن عساکر بجایی که بخواهند و فرود خن کشتیهای جنگی بدو  
 دادند و با اعلان آن مجبور شدند فی الحقیقه این عدم اتفاق  
 جمهوری مبرور درین نزدیکیها موجب بشود که آنها خواهد بود ولی  
 بموجب روزنامه که بعد رسید نوشته اند که رئیس جمهوری  
 دو مجلس را متحد و دعوت کرده معاش تعینات عسکریه را  
 لازم بیان نموده و بجهت انحصار علی الحساب و بی از خزانه در آوردن  
 امر و موافقت اصلا و کان و خوانین را نمائند و آنها نیز فقط  
 فقره را رضای داده اند  
 بجهت آن در آوردن چیزی تا اینکه بدید بامی افتد چون دیده نمی شود  
 اخراج آن از دریا معتاد است در این اوقات شخصی در لنگ  
 و درین بی بلندی دو ذراع اختراع کرده است و تهر بر ساند  
 در جانی که آب دریا پانزده ذراع عمق داشته باشد دریا را خوب  
 بان و درین میتوان دید و هر چه افتاده باشد باستانی  
 میتوان آورد و همچنین در روزنامه دیگر نیز نوشته اند که در  
 هم شخصی بجهت دیدن ته دریا بستانی یک نوع آلتی احدث  
 کرده است و محسبات او هم تجربه کرده اند که بجهت در آوردن  
 چیز از ته دریا بسیار بکار میخورد  
 دیگر نوشته اند که از امالی لهستان تاکنون دولت روس قشون  
 ولی اعلی حضرت امیر طور در سبب این قانون را موقوف نموده قرار  
 داده است که از اهل لهستان هر کس بزبان روسی عالم باشد  
 در دولت روس خدمت نماید بجهت لیاقت و شان در نظام  
 قبول خواهد شد

۲۰۱۶

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم خورشید چهارم شهر جمادی الاولی مطابق سال لوی میل ۱۲۷۳



اخبار و اخبار ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلاف طهران

درین اوقات هوای دارالخلاف مبارک باغزال است و افواج قاهره از توپچی و سرباز و سواره نظام همه روز در میدان ارک و میدان خارج دروازه دولت مشغول مشق میباشند و بعضی روزها نیز سربازها در سبیل شاهنشاهی غنیمت تفریح و تماشا فرموده و سوار میشوند چنانچه در روز شنبه گذشته سوار شد بیکارگاه اطراف دارالخلاف کردش و تفریح فرمودند و حوالی غروب با قباب بارک مبارک سلطانی مراجعت نمودند

و تعیین منزل و مکان داروغه و غیره مشارالیه بعضی آمدند امور دارالخلاف طهران احسن ایتمات نواب مستطاب ازین و الا بتبار در شیرمیز قرین انظام است و اگر بگذرت و زودی اتفاق بیفتد با اتهام نواب معزی الیه اموال سروده پیدا و حبس می شود چنانچه در شب غره ایماه دزدی بکجه عالیجا حاجی علی کرک برآید رفته قدری سال و اجناس برده بود و فردای آن شب دارالخلاف شهر بیرون دروازه دزدان با مال بیست آورد مال بجا پس ندیدم مجوس شد تا حکم آن شود

چنانکه در روزنامه های گذشته نوشته شد اکثری از سرداران معبر و خوانین معارف افغانستان غم تقبل عین علی اند و ابدت را نموده اند و در این اوقات علی التواتر بدربار شاهنشاهی می آید چنانچه بعضی از آنها که آمدند نوشته شده درین روزها هم بجه الامراء العظام سردار سلطان احمد پسر مرحوم سردار محمد عظیم خان وارد دربار بایون گردیده از جانب امنای دولت علیه لازمه توفیر و احترام در استقبال

چون امیر حاجی خان درین اوقات خوب منظم است و بوجاهت رود و بی عیب چنانچه مرده فتح هرگز با زده روزه بطهران رسانده بودند که درین روزها میکوشد بجه ترمه کرمانی بجایجا اسمعیل خان پارچی باشی و کلبه سال ترمه کرمانی بجایجا میرزا سید حسین مبارک خان چای خانی است عالیجا حاجی موسی خان تکوید اکثر قریحانیه بار که در راه انداختن و بولایات و سرحدات نهایت تمام با عقل آورده و خوب انعمه بگذاردین روزها محض حمت بکوب بجه ترمه بجایجا مشارالیه عنایت شد

۲۰۱۷



# سایر ولایات استرآباد

از فراری که در روزنامه استرآباد نوشته اند امور آن ولایت  
اینهاست مقرب الخاقان جعفر قلینان ایلیخانی در عین نظام  
و انالی آنجا در کمال امنیت و آسودگی خاطر به عاکوفی و ان است  
تا یون شاهنشاهی استعمال دارند

دیگر نوشته اند که در این اوقات بقدره هزار خانوار بر کمان  
لوکلان خوق نشین با هزار خانه اسیر قزلباش که در خوق  
ساکن بودند با زن و بچه آمده در قاری قلعه ساکن شدند چون  
پناه باین دولت جاوید مدت علی آورده بودند بملا خط  
ایک مباد از باغیان خوق و ترکمانان اصدا و با نهادیست  
شود مقرب الخاقان جعفر قلینان ایلیخانی نمکن آنها را در قاری  
مصلحت مید عالیجاه محمد رحیم خان و یوزباشی قلینان را با  
سوار روانه قاری قلعه نمود که آنها را از آنجا کو چانه چمن  
کالپوش بیایند و در آنجا سکنی بدهند

دیگر نوشته اند که در این اوقات برادر خان خوق برادر خان  
میوت خوق نشین بجزم تقبیل قلیشاهی خلداند ملکه  
وارد استرآباد شدند مقرب الخاقان ایلیخانی لوازم احترام  
و صیافت را از آنها بعل آورده چند روز در آنجا توقف کرد  
اسی از برادر خان خوق دزد برده بود مقرب الخاقان ایلیخانی  
آدم با طرف فرستاده دور و زاهد و تاشک که سیزده  
استرآباد است پیدا کرده نزد مقرب الخاقان مشا را لیس  
آورده نزد برادر خان خوق بانضمام تعارفاتی دیگر ارجح  
فرستاده مشا را لیس این روزها از آنجا روانه در باره  
تا یون خواهند بود

دیگر نوشته اند که محمد قسلی سلاخ این اوقات در کلبه  
شده یک نفر اسیر و چند فرد کاد و کوسفند برده بود  
ایلیخانی خوانین میوت را خواسته مشا را لیس را با اسیر  
از آنها مطالبه نمود آنها نیز تعهد نموده فرستاد آن اسیر را  
با چهار نفر اسیر دیگر که دوسه روز قبل برده بودند نزد مقرب  
ایلیخانی فرستادند ولی خود محمد و قسلی از بیم مواخذه و سیاست  
متواریت و هزور بدست داده است

دیگر نوشته اند که در این روزها نوکر استرآباد در امر  
ایلیخانی تا ماسان دید از جمله علاجهای یوزباشی قلینان  
که صدده سوار بودند در کمال ارادت و سستی همگی با اسب و بر  
خوب و جوانان زنده و نمایان بنظر آمده و مقرب الخاقان  
ایلیخانی آنها را بسیار پسندید و یوزباشی قلینان را خیلی  
نوازش نمود

## کسلان

از فراری که در روزنامه کسلان نوشته اند در ۲۸ شهریور  
عالیجاه محمدت سیراه شکار بوسکی صاحب قنصل دولت تبت روس  
بامور قاسم کسلان وارد شهر شد که بد عالیجاه میرزا محمد علی باشا  
مهام امور خارجه از جانب امیر الامراء العظام مقرب الخاقان عمید  
با جمعی از اعیان شهر شکار لیه استقبال نموده با کمال احترام  
وارد شهر نمودند بکر اسب براق طلا تجمه سوار عالیجاه قنصل بادور  
است که مقرب الخاقان عمید الملک بجهت احترام عالیجاه را لیه فرستاده بوم  
در روز بیستم یعنی بیست و چهارم مبارکی روانه نمود و رسم دید و باز دید در نظر  
آمده اظهار کمال دوست و دوستی نسبت بهم کردند و عالیجاه محمدت سیراه  
محمد علی باشا هم خارجه کسلان هم کمال نمودت و بکر کبی تعهد رسانده و دید  
و ملاقات و در از هم نمودند و عالیجاه عماد طوف صاحب قنصل سابق عالیجاه  
بوم بعد از ورود عالیجاه قنصل جدید روانه سمت خاک دولت تبت  
کردند

۲۰۱۸

دیگر نوشته اند که در این اوقات جمعی از قضاة الطریق با هم اتفاق کرده شهبارا بنات اجتماع بر سر خانهای رعایا و دماقین اموال و اسباب آنها را بفارسی میبردند مقرب الخاقان عمید الملک بعد از استحضار بر اسی جمعی از آدمهای خود را مانور نمود و عین کرد که از رعایا و دماقین مزبور هر که چیزی با اسم مخارج و غیره مورد مواخذه و سیاست باشند باید بنامیندگی و اتفاق دماقین مرقوم سابقین را هر کجا باشند دستگیر نمایند مورین حسب رفته محل مکان دزدان را مشخص کرده شبانه بر سر آنها تاخته بودند ولی چون شب هنگام بود اغلب دزدان فرار کرده بودند مگر علی حسین نام دزد معروف با یک نفر دیگر دستگیر شدند آنها نیز دستگیر الخاقان شارالیه آوردند آنها را تاجیه مضمون کرده تا رفقای خود را قتل نمایند و مقرراتی که از اطراف در مقام تفحص دزدان مزبور برآمده در هر جا هستند آنها را گرفتار آورند تا اموال رعایا و دماقین از آنها مسترد شده بعد حکم آنها شود علی الحساب رعایا از تعذبات دزدان آسوده شده اند و گمان دارند که بزودی همه دستگیر شوند

**کرماتشان**

از فرار یک در روز نامه کرماتشان نوشته اند امور از اتهامات نواب مستطاب عماد الدوله قزلباش نظام کامل کمال آسودگی از برای امالی آنها حاصل است هر کس بجا خود کسی قدرت حرکت خلاف ندارد و نواب مغزی الیه در نظم و رسیدگی با مورعیت و انجام خدمات دیوانی لازمه اهتمام بعمل می آورند

علیجاه زین العابدین خان سردنک فوج کلهر با سر بزرگش همه روزه مشغول شش میباشند و از جانب صاحب منصبان

کمال اتهام در شش و انتظام امر آنها میشود و هم چنین علیجاه سید الله خان سرینب فوج کوران طبعی با جمعی سواره سنجابی و فوج دره فرسخی نصر شیرین شش متوجه امورات محوله بخود میباشند

دیگر نوشته اند که قورخانه جدید که در کرماتشان بنا گذاشته این روزها قریب با تمام است و هر چهار پنج روز یک مرتبه خود نواب عماد الدوله بکشتی و تماشای آنها میروند و بسیار جا با صفا و سکوه شده است

دیگر نوشته اند که اسان نوار از بر ولایتی زیاده از سالهای دیگر زیارت عیالات میروند و طرق و شوارع حد کرماتشان در کمال آفت است و سطحین مشغول حفظ و حراست میباشند که روار و قواصل با سودگی و اطمینان عبور و مرور میباشند

دیگر نوشته اند که دو نفر زوار ترک که از عیالات مراجع کرده بودند در منزل مایشت در کاروانسرا شترل کرده بودند یا بونی داشتند در آنجا فروخته بودند و نمیشد بخواستن بقیه رختی با آسی از زوار مایلی که عیالات میفرستادند بکار و نه ادراکته بودند

بزرگن میخواستیم بر دیم انهم خالی از غرض در رکسوده و آنها بیرون رفته صبح صاحب اسب خبر شده که بیان کار و انسر ادراک کرده بود کار و انسر ادراکهم صاحب مال را اطمینان داده و خود به اسان سوار شده متعاقب دزدان تا کرماتشان آمده و در راه

که شترل کرده بودند رفته و دزدان را در خواب دیده بودند رفته نایب داروغه را خبر کرده با اتفاق آمده بودند است و تخریب از آنها مسترد و بکار و انسر او تسلیم کرده قبض گرفتند و در کرماتشان برسانند و دزدان الان محبوس میباشند

### حمه

از قراریکه در روزنامه حمه نوشته اند امور آن ولایت خشن  
 مراقب عالیجاه معرب انجانان چو اعلیٰ خان حاکم خمرین  
 انتظام است و کسی قدرت حرکت خلاف و بیحسابی نسبت  
 بدیگری ندارد و رعایا آسوده خاطر به عای ذات اقدس  
 شاهنشاهی اشتغال دارند

و بکر نوشته اند چند وقت قبل ازین که بلای حسن نام اکلندی  
 بنزد عالیجاه میرزا و لیجان نایب الحکومه آمد مذکور شد  
 که نقلی نام اکلندی شب آمده بقدر یکصد تومان نقد حسن  
 از خانه من سیرت برده بود صبح رفتم که او را گرفته شهباز  
 گفت در بیرون باش تا من الماع خود را بیاورم و با  
 شهباز دیدم قدری در آنجا مکث کردم ناگاه دیدم صدای  
 شیون از خانه او بلند شد با همراهم خود بیرون رفتم  
 دیدیم تیغ دلاکی را بکلوی خود که داشته بقدر نصف کلوی  
 خود را بریده است هزار معرکه تیغ را از دست او گرفته عا  
 نایب الحکومه دستاورد او را بشهر آوردند و از خود شتر تحقیق  
 نمود بعد از آنکه کلوی خود را بریده بود هفتده بخیه زده بود  
 ده بخیه آن گرفته و هفت بخیه دیگر پاره شده بود از قراریکه  
 بعد خبر رسید و روز بعد از آن مقدمه بجان زخم در گذشت  
 و هلاک شده بود

و بکر نوشته اند که در ولایت حمه چند وقت پیش ازین  
 قدری کران و کم یاب شده بود ولی از اتهامات متهمین  
 چو اعلیٰ خان که با بنبار داران حکم کرد غله بجزایان فروختند  
 مان و اوان داران شد و با فضل کمال قزوانی و ارزانی  
 حاصل و االی آنجا آسوده خاطرند

د بکر نوشته اند که آبادی شه کرمانشاهان نسبت سابق خیلی زیاد  
 شده است بطوری که زمین خراب در شهر نمانده است و جانی که سابق  
 بهشت تومان و هشت تومان داد و ستدی شد حال بصد تومان  
 خرید و فروش میشود و همچنین مزایع و قرار دارالدوله اکثر مغز  
 و آباد شده باغات و بساتین احداث نموده اند و نواب  
 عمادالدوله سالی دو دفعه اگر طوکات را کردهش نمایند و  
 مردم را بر رعیت غریبی کنند

### خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند کمال امانت و  
 انتظام در ولایت حاصل است و رعایا و برابرا آسوده خاطر  
 به عاکونی ذات اقدس عالیون شاهنشاهی اشتغال دارند  
 اجناس و ماکولات اگر چه نسبت سابق قدری نخبه دارد  
 و اوان است و بجا پیش ازین نوشته اند هوای ارض آن  
 چند روز شدت سرد شد بعد از آن بار طایم کردید و  
 کنون بارندگی نمانده است

### شاهرو و لبطام

از قراریکه در روزنامه لبطام و شاهرو نوشته اند امور  
 آن ولایت قرین انتظام است و عالیجاه معرب انجانان این اعظام حاج  
 حاکم آن ولایت و رفاه و آسودگی رعیت و امانت طریق مسو  
 و انجام خدمات دیوانی اهتمام کامل بعمل می آورد و عابری  
 و متردین آسوده خاطر عبور و مرور می نمایند و از اشرار و کما  
 که اغلب اوقات دست اندازی بزوار و متردین می شد  
 اوقات بکلی موقوف است و هیچ اثری از آنها در آن نیست  
 نیست و مع دلگ عابری و متردین را در آبادی آباد برده  
 مستحضران نموده اند از منازل مسکن خود میکدراند

۲۰۲۰

اخبار دول خارجی

از قراریکه در روزنامه خبریده بحوادث بسیار بول نوشته اند  
 در ۳ ماهه صفر در جزیره زردوس حرکت ارضی وقوع یافته بود  
 بقصد ثانیه امتداد یافته بود سبب اینکه آنجا خود را از خانه  
 بیرون انداخته بودند مردم آنجا مضرتی نرسید بود ولی غنیمت  
 بسیار خرابی رسیده موجب روزنامه که بعد آمد است نوشته  
 بودند که سبب کمال شدت این زلزله یک واپور پوسه که بعد  
 میل مسافت از جزیره مزبور در دریا حرکت میکرد کلبان واپور  
 زلزله را احساس کرده و از ترس اینکه مبادا کشتی بساید  
 در آنجا نگرانداخته بود ازین زلزله بعضی محل دیوار قلعه آنجا  
 و مساجد و کلیساها و دیوارن بکلی خراب شده و در محله های ملت اسلام  
 و ملت یهود از خانه های که قابل سکنی بودند پنجاه باب خانه خراب  
 و از محله روم از یک هزار خانه فقط دو خانه که توان سکنی کرد باقی  
 مانده ماعدا اینکه سهندم که دیده و محله فرنگیان که دولت با  
 خانه بود با قریب سیصد کارخانه کتلا خراب شده جانی که قابل  
 سکنی با مانده و در سه قریه از توابع جزیره مزبوره نیز خراب و صدم  
 تقریباً آدم تلف شده بودند

در همین نوشته اند که موجب روزنامه که از گرد آمد هم مردم  
 سیزدهم صفر در آنجا هوا بهم خورده باد سیاه شد و درین  
 گرفت تا ساعت ده از شب رفته یعنی یک ساعت بعد از وقوع  
 زلزله در دوسر صدت دشت دیگر از هوا استماع شده و در عقب او  
 از شمال در جنوب زلزله شدیدی دلوله انداز صحرای بیابان  
 گردیده رفته رفت شدت کرده تا دو دقیقه امتداد یافته بود  
 در آنوقت شب که این زلزله وقوع یافت اغلب مردم در خواب  
 خود در خواب بودند ولی از صدای جنب که قبل از وقوع

مردی داد و همه بیدار شده از خانه بیرون دویدند و چند  
 با شخصی صرزی نرسیده بقدر دولت تلف و بسیار  
 مجروح و زخمی شدند و از کمال شدت این زلزله در حواله  
 مذکور که بهائی که بود بیست اصل آنها هم خورده و دکالین  
 بسیار نیز خراب شده و الی گردید با قایلیم مقام قنذیه با اتفاق  
 رفته و از جانب دولت عثمانی بجهت بر سر آنها دست  
 و چاراضطر استه اند فی الحال از اطراف نان و دو خا بر ستون  
 و سبب کسی که بی منزل مانده بودند چادرها تارک دیده  
 آنجا توزیع و تقسیم نمودند و همچنین از اسباب بول هم بوصول  
 خبر مقدار دانی آرد و دیگرها و سر بها با بخار روانه نمودند کلاً  
 آنجا تقسیم شود

از قراریکه از روزنامه اسپانیول نوشته اند سر وکیل دولت  
 مار دایز نام سعادت قضا و نظاران و دفاتر اسپانیول  
 شده بود و تا این اوقات در پاریس پای تخت درین  
 در این اوقات که اسپانیول اور بقدر دست و سر وکیل دولت  
 مزبور باز بفرستاد معوض دانست

و همچنین بی که سابقاً اختلال ملک اسپانیول شده بود بعضی از آنها  
 شده و مجوس گردید بودند از جانب اسپانیول غنیمت و خیل شده  
 و اطلاق موجود آنها از جانب دولت اسپانیول صادره و کسانی که جان  
 و منصب بودند رتبه و منصب آنها نیز رفع نموده بود در این اوقات که  
 سر وکیل دولت مزبور بشهر دردمرغ کرده است از جانب ملک اسپانیول  
 تقصیر را بیایات کلی غنیمت و آنها که مالک دیگر رفتند در صورت  
 مراجعت برقرار شدن آنها با توری نور حکم شده است ولی رتبه  
 سابق آنها با اطلاق و لغو آن حکم شده است که با آنها داده شود  
 گذارش از جانب ملک اسپانیول اعلام شده است

۲۰۲۱

دیکر نوشته اند که در شهر مدیس هندوستان که در  
 شرقی هندوستان واقع است از جانب فرمایند  
 اعلام شده است که در سال آینده یک عمارتی مانند  
 طبر که در لندن و پاریس بجهت گذارن نفیس و متد و  
 خلق کسوده بودند برپا نمایند و مثل آن عمارت هم در حیدر  
 آباد عمارتی برپا شود و درین عمارت ها قرار بر این است که از  
 امتد و نفیس دول دیگر چیزی گذاشته نشود فقط از محصولات  
 ارضیه و صنایع هندوستان در آنجا بجهت گذاشته  
 شود  
 سابقا نوشته شده بود که حکمدار مملکت سیام هندوستان  
 بجهت صاحب مصلحت دول فرانسه در روس و انگلیس که در  
 آنرا شجاعت از آنها بل آمده بود شش قطعه نشان شسته  
 خود را مصحوباً بمور مخصوص ارسال داشته بود و در  
 منور پاریس پای تخت فرانسه در روزانه های سابق  
 شده بود بموجب اخباری که این اوقات رسید مشایخ  
 اعلیحضرت امپراطور فرانسه شرفیاب و نام خود را اطلاع نمود  
 القات امپراطوری شده است از وضع بدبسات و ستاده منور  
 و مسلمانان او نوشته اند که کلاهی سیاه بسیار بلند  
 و جبهه سرخ پیشه و در حالی که بجان میزد و در دست  
 آنها کی شکر و یکی سایر چیزها و تنه ای دیگر میگرد و گویا  
 مرهله را اظهار احتشام میمانند و این دستا دکان حکمران  
 سیام و دفتر بودند وقتی که بحضور امپراطور میفرستند سوار  
 شده و او همایشان در عقب آنها بان هیات که مذکور شد  
 بودند و مالی پاریس خلقی بسیار بجهت تماشای آنها در کچه  
 کرده بودند

۲۰۲۲

دیکر نوشته اند که در پاریس پای تخت فرانسه تاکنون  
 از برای اهل اسلام قبرستان علاقه بنود در این اوقات  
 اعلیحضرت امپراطور فرانسه جهت دفن جنازه اهل اسلام  
 هفتشت هزار دوزخ زمین مشخص کرده و در او را داده  
 دیوار کشیده اند و یک مسجد نیز در آنجا بنا گذاشته اند  
 دیکر نوشته اند که در نوردیم ماه صفر در هندوستان در شهر  
 از طت بود خلی نفوس در ضمن اجرای این در معبد خود  
 شده بودند درین بین یک شخصان بزرگ که در بالای منصب  
 بود بزمین افتاد از صدای آن بود بیاد او همه کرده بودند  
 که معبد شاید میخورد خراب شود هجوم آورده بودند که از  
 معبد بیرون بیایند از بسکه روی هم ریخته بودند در  
 چند دقیقه بعد رنجاه نفرانها در زیر دست و پایا مال  
 و خاک گردیده بودند مثل این هم در بلیت و سیم ماه منور  
 لندن اتفاق افتاده است شخصی مشهور به نام فضل بعضی اشخاص  
 اعلام کرده بود که حاضر شوند و در سبک بوی خلق ریا و کج  
 تقریر و تماشای در س اودران مجمع حاضر شده بودند چند  
 لیب برهم با جیکر تمهید کرده بودند که این مردم را بواهمه  
 بیندازند تا در برنجوردگی آنها کارشان از پیش برود و  
 در میان این مردم هر یک در طریقی نشسته بودند تا گاه اوها  
 خود بسته و فریاد کنان بیرون دویده بودند که اینک زوله  
 مردم از واهمه بر سر هم ریخته و هجوم آورده بودند که بیرون  
 بیایند گذشته از آنکه گیه بر با مبالغی از آنها زده بودند  
 بیت سی نفر در زیر پا مانده پایا مال و خاک شده بودند

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم خورشیدیه روزم بهمدی الاولی مطابق سال لومی ۱۲۷۲

مره سید وده

منظومه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده شمشیر

بر مطبعه خیابان



## اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

بموجب استهانتها زمانه دولتی ما مورث مقرب الخاقان امیرالاعظم  
 میرزا محمدخان کبکی باشی دربارها یون و مقرب الخاقان امیرالاعظم  
 فضلعلی خان بیکریکی و امیرتومان و سایر مأمورین که نوشته شد  
 بهکام روانه شدن مأمورین معزنی الیه از جانب سنی انجوا  
 آقدس تالیون پناه دین خلد الله ملکه و سلطانه لازم است  
 و توجهات ملوکانه در حق هر یک ایشان بعمل آید چنانکه  
 نفیس تالیون شریف فرمای باغ دولتی که مقرب الخاقان کبکی  
 نقل مکان با آنجا کرده بودند و انواع چمنها در حق او بعین  
 آوردند و از جمله اسپه از اسبان خاصه پادشاهی باریق  
 طلا و مرصع باو و یک ثوب جبهه ترمه و نعلک بسیار خوب  
 مقرب الخاقان فضلعلی خان امیرتومان القات و عنایت  
 فرمودند و از آنجا بیاض نظامیه متعلق سنجاب جلالت تاب  
 ارفع امجد فخرهم صدرهم دام اجلال العالی شریف فرمائید  
 صاحب مضبان و سران سپاه ابوالجمع معزنی الخاقان معزنی  
 از توپخانه و سرایز و غیره احضار و بهر یک ایشان بدل مر

ملوکانه فرمودند و هکی در کف حرمت باری دامید واری  
 بر احم اعلی حضرت شهریار بیگال ارادت و جانفانی  
 روانه محل ماموریت گشتند

نیجه الامراء العظام سردار سلطان احمد خان پسر مرحوم سردار  
 محمد عظیم خان کابلی که شخص مجتهد و کامل و از اعظم سرداران  
 و خوانین کابل است و بهر شای بزرگ ارسته است و با او  
 کفایت و شجاعت تصاف دارد برای مستکفاری دولت  
 جا و بدایت عنایت شرفیابی یکبار مبارک نموده بود چنانکه  
 در روزنامه معنی که نوشته نوشته شد با عزاز و اکرام تمام  
 و از خلفه الباهر کردید در روز یکشنبه معتم جودی الاولی  
 اول خدمت جناب جلالت تاب شرف امجد صدر اعظم  
 لازم بود و قیر و اکرام از او بعمل آمده بعد از آن شرف حضور  
 لامع الشور سرکار اعلی حضرت آقدس تالیون شایف ضایع  
 ایام شوکه عن السباهی نده بالطف خاطرها یون مقصد  
 مساهی کرد  
 نواب سردار شاه دولت خان پسر مرحوم نواب محمدخان

۲۰۲۳

کافی در روز و شبانه چهاردهی الاول با کمال اعزاز و کرامت  
 وارد دارالخلافه آنجا بر گردید و برای خدمتگاری دولت  
 ایستاد و او طلبکار آمد است و از جانب سنی احوال پلویان  
 احترامات از فرستاده مستقبلی غیره بعقل آمده روز قبل  
 شایستگی وارد گردید و اگر چه هنوز در جناب حضور پلویان نشد  
 و خدمت جناب شرف امجد ارفع نرسیده است لکن از فرزند  
 معرف است و ملاحظه میشود سردار معتمدی الیه نیز از اشخاص  
 کامل کافی است و بکالات و هنرهای زیاده موصوف است  
 و هر یک از سرداران معتمدی الیهها سوارهای رشید افغان  
 دارند و او طلب خدمت هستند که با همان سوار مخصوص  
 هر یک از اطراف دولت علیه که از جانب سنی احوال پلویان  
 مقرر شود روانه شده در مقابل خصم دولت مصدر هر نوع  
 جانفانی و خدمت با تارای اقدس پلویان در اموال  
 آنها بکدام جانب اقتضا فرماید و چه نحو و سچ استعداده  
 ایشان را نامور خدمت فرمایند

بعد از آنکه جناب نور قشون نخیس بی محابا در و در آنها بشود  
 اطراف ممالک محروسه ایران انشا ربافت غیرت ملت  
 عصیبتا ملی مملکت سچوش آمد در هر جا و او طلب خدمت  
 شد از جمله مقرب الخاقان جعفر قلینجان اینجانی بیگم سکی  
 عریضه عرض کرده بود که سه هزار سوار او طلب خوب است  
 دارم و استند عا دارم که خودم را هم با سوار احضار فرمایند  
 و در سرحداتی که قشون دولت مشغول جنگ هستند نامور  
 نمایند مسئول و در خاک پای پلویان مقبول افتاده امر مقرر  
 که بزودی سوار نر بور را برداشته بیاورد و همچنین مقرب الخاقان  
 میرزا حسن خان حاکم عراق و عموم اهل عراق عریضه عرض کرده و

خدمت شد آنکه سه هزار نفر سواره و پیاده و او طلب سان  
 موجود داریم علاوه بر نوکر دولتی هر جا اولیای دولت علیه  
 و نامور فرمایند سر و جان بر کف گرفته سجد شتابند حکمی که از جانب  
 اولیای دولت علیه لازم بود در جواب عرض مقرب الخاقان  
 و اهل عراق صادر شد و الله تعالی عنقریب از سایر ولایات  
 ممالک محروسه اسلام جان نثاران خدمتگزار فرود از خدمت  
 او طلب خدمت علاوه بر نوکر دولتی در سر خدمت حاضر خواهند

بود  
**امور قشونی**

در این اوقات که هوای دارالخلافه طهران اعتدال دارد  
 قاهره نظام متوقف دارالخلافه مبارکه از توپچی و زنبورکی  
 سواره نظام و سرباز همه روزه در میدان ارک و میدان  
 خارج دروازه دولت مشغول تیر اندازی و شق و تعلیم و تعلیم  
 نظامی میشوند و از جانب صاحب مضبان و معتمدین کمال سعی  
 و اهتمام در مشق و انتظام امر آنها بعمل می آید و همچنین امور  
 قورخانه و حقیبه خانها در عین انتظام است و تمامی اصناف  
 کار خانجات مشغول ساختن اسلحه و اسباب نظام و غیر نظام  
 و ریختن کلود توپ و تفک و ساختن فشک و بر آلات و ادوات  
 حرب میباشد و در هر باب امور قورخانه و حقیبه خانها  
 انتظام را دارد و از جانب کارگذاران و پلویانی نهایت مراقبت  
 و اهتمام در انتظام امر آنها میشود علی التوالی اسباب قورخانه  
 و توپخانه تهیه و تدارک دیده شده لبرعدات ممالک محروسه  
 هر جا که لازم باشد فرستاده میشود

عالیجاه عبدالقادر خان سرتیپ با سواره سکی جمعی مشارالیه  
 از پایتخت حاضر کباب نصرت انتاب پلویان شده و

۲۰۲۴



سواره خود را داده در در یک شب که شسته سر کار داشته  
 قوی سوکت شاهنشاهی ای ای همیشه تشریف فرمای میدان  
 شده سواره و موزون و با ملاحظه فرموده و احاد و افراد سواره  
 یکی یکی از حضور عین ظهور مبارک که شسته چون کمال را استیجاب  
 داشته عالیجاه شاهنشاهی و سواره موزون موزون و تخریب  
 و التفات بگونه کرد و بدو حسب اقامت هر قدر مراجعت  
 داشته باینجا داشته مأمور به فارس کرده

عالیجاه محمد تقی خان سر کرده سواره هسون ار با شسته  
 سواره شاهنشاهی بر کاتب پروزی انساب همایون  
 حاضر شدند و حسب الامر اقدس شاهنشاهی مقرر است که  
 این دور و زه شکر نویسان عظام مسان آنها را دیده  
 واجب و مدارکات لازم آنها را داده بایدار کاتب  
 روانه سمت هرات و افغانستان بشوند

سواره هسون قوت بیکلو جمعی عالیجاه امیر خان سر کرده  
 مدت زمانی است از خدمت خراسان مراجعت کرده  
 بر کاتب انساب همایون حاضر شدند و این دوره هسون  
 آنها را دیده و مدارکات و مراجعت آنها را چهره دارند و حسب  
 اقدس سرکار علی حضرت شاهنشاهی مقرر است که در یکشنبه  
 و دوشنبه از دربار همایون حرکت کرده سمت سرحد  
 فارس بروند و در عرض راه با اردوی امیر الامراء اعظام  
 کشیک پاشی ملحق شوند

از متعلقات در راه الفنون که از علوم توپخانه و هند  
 و غیره سرشته کامل بهم رسانده و ما هر شده بودند  
 اشخاص معصده مأمور با رد و نای جنکی دولت شده که در آنجا

بایمده ریزات و افغانستان مأمور حجه  
 نام مرزا مصطفی میرزا نقی الله و مان

مأمور سرحد فارس  
 و امیرخان محمد تقی خان  
 محمد آقا مصطفی  
 مامور

با صاحب منصبان و اگر حضرت با شسته  
 باشند

این اوقات حکم با حضور حضور آرزو بایمان بر دلا باشد که علی صاحب  
 معصده حاضر شوند و بر سادات و بنا و مأمور کرده و سواهی مأمورین

ببینوجب مأموری شود بآوب

فارس	حراسان
کاتب	کاتب
کاتب	کاتب
کاتب	کاتب
کاتب	کاتب

کاتب	کاتب
کاتب	کاتب
کاتب	کاتب
کاتب	کاتب
کاتب	کاتب

کاتب  
 کاتب  
 کاتب

مأمور سرحد فارس  
 با صاحب منصبان و اگر حضرت با شسته  
 باشند

سایر ولایات  
 کردید